

گر به بصره گر به [illegible] نظاره کنند بصره هر جا که خاطر [illegible]
می خوا شد منتظر در زندان رفته بر باد حوادث [illegible]
[illegible] کار [illegible] ز تقدیر و قضا دوری [illegible]

که فرمودند من زار قبر الحسین ع فی النصف من شعبان غفرت ذنوبه
ولم تکتب علیه سیئة فی سنته حتی یحول علیه الحول فان زاره فی السنة الثانیة
غفرت له ذنوبه یعنی کسیکه زیارت نماید قبر امام حسین ع در نصف ماه شعبان آمرزیده
میشود گناهان او و نوشته نمیشود دیگر او گناهی در آن سال تا بگذرد دیگر او یکسال
پس هرگاه زیارت نماید آنسرور را در سال دویم آمرزیده میشود گناهان او
و ایضا در وسائل از زید شحام روایت نموده که حضرت صادق ع فرمودند من زار
الحسین ع فی لیلة النصف من شعبان غفر الله له ما تقدم من ذنبه و ما تأخر و من زاره
یوم عرفة کتب الله له الف حجة متقبلة والف عمرة مبرورة ومن زاره یوم عاشورا فکانما
زار الله فوق عرشه یعنی کسی که زیارت نماید حسین ع را در شب نیمه شعبان می آمرزد
خداوند عالم گناهان او را چه گذشته و چه آینده و کسی که زیارت نماید آنسرور را در روز
عرفه مینویسد خداوند عالم در نامه عمل او ثواب هزار حج مقبوله و هزار عمره مبروره
و کسی که زیارت نماید آنسرور را در روز عاشورا پس گویا که زیارت کرده است
خدا را در فوق عرش و ایضا در وسائل و باقی کتب احادیث روایت نموده اند که حضرت
صادق ع فرمودند من زار الحسین ع فی النصف من شعبان غفر الله له ما تقدم
من ذنبه وما تأخر یعنی کسیکه زیارت نماید حسین ع را در نصف ماه شعبان می آمرزد
حقتعالی گناهان او را چه گذشته و آینده او را و ایضا در وسائل از یونس بن یعقوب
روایت نموده که حضرت صادق ع فرمودند یا یونس لیلة النصف من شعبان یغفر الله
لکل من زار الحسین ع من المؤمنین ما قدموا من ذنوبهم و قیل لهم استقبلوا العمل قال قلت
هذا کله لمن زار الحسین ع فی النصف من شعبان قال یا یونس لو اخبرت الناس بما فیها
لمن زار الحسین ع لقامت ذکور الرجال على الخشب یعنی آنسرور فرمودند که ای یونس در شب
نیمه از شعبان می آمرزد خداوند منان از برای هر کس که زیارت نماید حسین ع را از مؤمنین

از گناهانی که پیش کرده اند و گفته میشود که برو بیا و میدان با عمل که زیارت انسرور حسین ع
باشد یونس میگوید عرض کردم این همه فضیلت از برای کسی است که زیارت نماید
در نیمه شعبان انسرور فرمود ندای یونس هرگاه خبر بدهم مردمان را بآنچیزی که در فضیلت
زیارت انسرور است هر اینه مردمان از غایت شوق اعصا و چوب دستی خواهند نمود
و سوار انها بزیارت انسرور خواهند شد و بعضی از فضلاء فرموده اند که در نهر الربیع
معنی لفظ لقامت ذکور الرجال علی الخشب باین طریق فرموده اند که سوار میشوند
ذکور از مردان بر چوب مثل اینکه اطفال چوب را در میان پاهای خود میکنند
و سر آن چوب را بدست خود نگاه میدارند و میدوند و آن چوب را بمنزله حیوانی
سوار میشوند فرض مینمایند و علی ای تقدیر مراد سرعت در رفتن بزیارت انسرور است
وایضا در وسائل و تحفة الزائر و باقی کتب اخبار مرویست از ابو حمزه ثمالی که جناب
سید الساجدین فرمودند من احب ان یصافحه مائة الف نبی و اربعة و عشرون الف
نبیا فلیزر الحسین ع النصف من شعبان فان الملائکة و النبیین یستأذنون الله فی
زیارته فیؤذن لهم فطوبی لمن صافحهم و صافحوه الحدیث یعنی کسیکه دوست دارد اینکه
مصافحه نمایند با و صد و بیست و چهار هزار پیغمبر پس زیارت نماید حسین ع را در شب
نیمه از شعبان پس بدرستیکه ملائکه و پیغمبران اذن میخواهند از خداوند عالم
در زیارت او پس اذن میدهد خداوند عالم بایشان پس خوشا بحال کسی که مصافحه
کند پیغمبران را و مصافحه نمایند پیغمبران او را تا اخر حدیث وایضا در وسائل و کامل
الزیارة و تحفة الزائر از معویة بن وهب روایت شده که حضرت صادق ع فرمودند
اذا کان اول یوم من شعبان نادی مناد من تحت العرش یا وفد الحسین ع لا تخلوا اللیلة النصف
من زیارة الحسین ع فلو تعلمون ما فیها لطالت علیکم السنة حتی یجیء النصف یعنی چون روز
اول ماه شعبان داخل میشود منادی از زیر عرش ندا میکند که ای گروه شیعیان خالی

شیعیان خالی نگذارید شب نیمه این ماه را از زیارت آنحضرت اگر بدانید که چه ثواب
در آن هست هر اینه از بسیاری انتظار سال بر شما دیر میگذرد تا شب نیمه
شعبان در آید وایضا در وسائل و تحفة الزائر از حضرت صادق ع روایت نموده
که ابو عبد الله بن فی سؤال نمود از آن بزرگوار ما لمن زار الحسین بن علی ع فی النصف
من شعبان من الثواب فقال من زار الحسین ع فی النصف من شعبان یرید به الله
عز و جل و ما عنده لا ما عند الناس غفر الله له فی تلک اللیلة ذنوبه و لو انها بعدد
شعر معزی کلب الحدیث قال و هو فی حل من نار الله فی هر شب یعنی چه ثواب هست
از برای کسی که زیارت نماید حسین بن علی ع را در شب نیمه شعبان پس انسرور
فرمودند کسیکه زیارت نماید انسرور را در شب نیمه شعبان که غرضش محض رضای
خدا تعالی باشد و غیر خدا کسی منظورش نباشد میآمرزد خداوند عالم در این
شب جمیع گناهان او را و هر چند معاصی او بعدد موی بزهای قبیله کلب باشد
تا اینکه آنحضرت بعد از تعجب راوی فرمودند آن شخص در هر شب مثل کسی است که
خدا را در عرش زیارت نموده است وایضا در وسائل روایت نموده که حضرت
صادق ع فرمودند من زار الحسین فی النصف من شعبان کتب الله عز و جل له الف
حجة یعنی کسی که زیارت نماید امام حسین ع را در شب نیمه شعبان مینویسد خداوند
عالم از برای او ثواب هزار حج وایضا در وسائل از حضرت صادق ع روایت نموده که
انسرور فرمودند یغفر الله لزائر الحسین ع فی نصف شعبان ما تقدم من ذنبه و ما تأخر
یعنی می آمرزد خداوند عالم از برای زیارت کنندهٔ امام حسین در نیمه شعبان گناهان
گذشته و اینده او را وایضا در تحفة الزائر بچندین سند معتبر از حضرت امام زین العابدین
و امام جعفر صادق علیهما السلام منقول است که هر که خواهد مصافحه کنند با آن صد و بیست
و چهار هزار پیغمبر پس باید که زیارت کند قبر ابو عبد الله الحسین ع را در شب نیمه
شعبان بدرستیکه ارواح پیغمبران علیهم السلام رخصت میطلبند در زیارت

آنحضرت پس بر حقت میباید که از ایشانند پنج پیغمبر اولو العزم
پرسیدند که کدام اند انها فرمود که نوح و ابراهیم و موسی و عیسی و محمد
صلی الله علیهم اجمعین ایشانند که مبعوث شده اند بمشرق و مغرب زمین
و انچه در تحفة الزائر و وسائل و کامل الزیارة از سالم بن عبد الرحمن روایت
نموده که حضرت صادق ع فرمودند من بات لیلة النصف من شعبان بارض
کربلا یقرء الف مرة قل هو الله احد و یستغفر الله الف مرة و یحمد الله
الف مرة ثم یقوم فیصلی اربع رکعات یقرء فی کل رکعة الف مرة آیة الکرسی
وکل الله به ملکین یحفظانه من کل سوء و من کل شیطان و یکتبان حسناته
و لا تکتب له سیئة یعنی کسی که در شب نیمه شعبان از اول شب تا آخر شب
در کربلای معلی بماند و هزار مرتبه سوره قل هو الله احد را بخواند و هزار
مرتبه استغفار بکند و هزار مرتبه الحمد لله بگوید پس برخیزد و چهار
رکعت نماز بکند و در هر رکعت هزار مرتبه آیة الکرسی بخواند
حقتعالی موکل کرداند باو دو ملک را که حفظ نمایند او را از هر بدی
و از شر هر شیطان و سلطانی و حسنات او را برای او بنویسند و گناهی
برای او ننویسند و تا با او بیند از برای او استغفار کنند باب هشتم
در فضیلت زیارت آنسرور است در ماه مبارک رمضان خصوص
در شب اول و شب نصف آن و شب آخر آن و در شب قدر در کامل
الزیارة و وسائل و تحفة الزائر از حضرت صادق ع روایت نموده اند که
آنسرور فرمودند من زار الحسین بن علی ع فی شهر رمضان و مات
فی الطریق لم یعرض و لم یحاسب و قیل له ادخل الجنة امنا یعنی کسیکه
بزیارت قبر امام حسین ع برود در ماه مبارک رمضان و در بین راه
بمیرد او را بموقف حساب نیاورند و باو گویند داخل بهشت شوند
بطریق



مشغول بطریق امن و راحت و اینکه در وسائل و تحفة الزائر از حضرت
امام جعفر صادق ع سؤال شد که آیا زیارت حضرت امام حسین ع را
وقتی هست که بهتر از وقت دیگر باشد فرمودند که زیارت کنید
آنحضرت را در هر وقت و در هر زمان زیرا که زیارت آنحضرت خیر
موضوع است و هر که آنرا بیشتر بعمل آورد خیر بیشتر خواهد یافت و سعی
کنید در زیارت کردن آنحضرت در اوقات شریفه که اعمال صالحه در آنها
ثوابش مضاعف است و در آن اوقات شریفه ملائکة از آسمان نازل
میشوند از برای زیارت آنحضرت پس پرسیدند از فضیلت زیارت
آنحضرت در ماه مبارک رمضان فرمود که هر که بزیارت آنحضرت برود از روی
خشوع و از برای خدا و پشیمان از گناهان و طلب آمرزش کنند از آنها
در یکی از سه شب از ماه مبارک رمضان در شب اول یا در شب نیمه
یا در شب آخر ماه گناهان و خطاهای او بریزد چنانچه برگهای خشک
بباد تند از درختان میریزد تا آنکه از گناه پاک شود مانند روزیکه از
مادر متولد شده بوده است و با این ثوابها از برای او باشد مثل ثواب
کسیکه در آن سال حج و عمره کرده باشد و دو ملک ندا کنند که ندای ایشان
را هر صاحب روحی بشنود بغیر از جن و انس یکی از آنها گوید که ای بنده
خدا پاک شدی پس عمل را از سر گیر و دیگری گوید که ای بنده خدا دعایت
مستجاب شد پس بشارت باد تو را با آمرزش از جانب خدا و فضل بزرگ
و آنچه در تحفة الزائر بسند معتبر از حضرت صادق ع روایت نموده که
آنسرور فرمودند که شب قدر در دهه آخر ماه مبارک رمضان است

هر که آن شب را نزد قبر امام حسین ع باشد و زیارت آنحضرت را دریابد
و دو رکعت نماز یا بیشتر نماز در آنجا بجا بیاورد و از حقتعالی بهشت را
سؤال کند و پناه برد بسوی او از آتش جهنم حقتعالی باو عطا فرماید آنچه سؤال
کرده باشد و پناه دهد از آنچه از آن پناه جسته است و همچنین که سؤال
کند که خدا باو عطا نماید از بهترین چیزهائی که در این شب مقدر شده است
یا حاجتی از خدا بطلبد که در آن گناهی نباشد امید دارم که سؤالش بآن داده
شود و از چیزهائی که حذر کرده است نگاه داشته شود و شفاعت او را قبول
کند کند حقتعالی در حق ده کس از اهل بیت او که همه مستوجب عذاب
شده باشند و حقتعالی بسیار چیز رساننده است سؤال کننده و بنده خود
و علامه مجلسی در زاد المعاد فرموده که زیارت آنحضرت در هر شب نوزدهم و بیست
یکم و بیست سیم ماه مبارک رمضان مستحب مؤکد است خصوصا در شب بیست
و سیم و در رسائل و تحفة الزائر بسند معتبر از امام زاده عبد العظیم رضی الله عنه
روایت نموده که حضرت امام محمد تقی ع فرمودند در حدیثی که بعضی از آن حدیث
اینست من زار الحسین ع لیلة ثلث و عشرین من شهر رمضان و هی اللیلة
التی یرجی ان یکون لیلة القدر و فیها یفرق کل امر حکیم صافحه اربعة و عشرون
الف ملک و نبی کلهم یستاذن فی زیارة الحسین ع فی تلک اللیلة یعنی کسیکه زیارت
کند امام حسین ع را در شب بیست و سیم ماه رمضان و آن شبی است که امید هست
که شب قدر باشد و در آن شب هر امر محکمی جدا و مقدر شود مصافحه کنند
با او روح صد و بیست و چهار هزار ملک و پیغمبر که همه رخصت میطلبند از خدا

نیست

میطلبند از خدا در زیارت آنحضرت در این شب و در تحفة الزائر لفظ ملک
و شاید اصح باشد نظر بتکرار این حدیث در کتب اخبار میگویم و این لفظ
در تهذیب و تحفة الزائر و باقی کتب اخبار از حضرت صادق ع روایت نموده اند
که آنسرور فرمودند اذا کان لیلة القدر یفرق الله کل امر حکیم نادی مناد من السماء
السابعة من بطنان العرش ان الله قد غفر لمن اتی قبر الحسین ع یعنی چون شب قدر
میشود جدا میکند خداوند عالم هر امر محکمی را فریاد میکند ندا کننده از آسمان
هفتم از میان عرش که بدرستی که خدا آمرزیده از برای هر کس که زیارت قبر امام
حسین ع را و در کتاب رسائل لفظ من السماء السابعة موجود است چنانچه نقل شد
و در باقی کتب دیگر این لفظ نیست و هو العالم مؤلف گوید که چون شروع
در تحریر این احادیث شریف و تالیف این صحیفه منیف در زمان توجه بکربلای
معلی در طی منازل و مراحل و اتمام آن در آستان عرش نشان سید الخافقین
و مصداق حسین منی و انا من حسین گردید لهذا الجهة انکه سهو و نسیان لازمه بنی نوع
انسانست این صحیفه منیفه را بنظر فیض منظر بعضی از علمای کربلای معلی رسانیدم
که هر گاه سهوی واقع شده باشد در تصحیح آن بر آیم آن عالم ربانی و مشید ارکان دین
داری و ممهد قواعد حق گذاری اعنی جناب ملا محمد الحسینی الحایری القزوینی بعد از
مطالعه جبر خاطر از آن فضائل روح افزا نهایت تحسین نمودند و باین حقیر بسیار با
تفصیل فرمودند که حدیثی در بحار الانوار در باب فضائل الائمة علیهم السلام
دیده ام بمضمون یادگار و بیاد تشوق شیعیان بزیارت آن بزرگوار که در اینجا ذکر او را
نقل نما عرض نمودم بجان منت دارم بفرمائید آن بزرگوار بخط مبارک خود

در حاشیهٔ این صحیفهٔ منیفه نوشته‌اند که در بحار الانوار روایت شده که هر
در تحت تربت سید الشهداء علیه الاف التحیة و الثنا بگیرد و ذکر تسبیح بگوید در نامه
عمل او ثواب هزار شب قدر نوشته خواهد شد خداوند عالم جمیع شیعیان
و ارادتمندان را بزیارت و مجاورت قبة الاسلام از فخر انام مشرف سازد
و این شرافت عظمی را سرمایه نجات و وسیلهٔ افتخار در عرصهٔ عرصات و سبب
روسفیدی نامهٔ سیاه معصیات نماید متوقع از برادران ایمانی و اخلای
روحانی چنانم که هرگاه بمطالعه و استنساخ این نسخهٔ شریفه بهره‌ور و کامیاب شوند
این مذنب عاصی را بدعای خیر یاد آوری نمایند و اگر در ترتیب اخبار یا نقل
احادیث سهوی واقع شده باشد در تصحیح آن بقلم عفو بپردازند زیرا که اکثر این اخبار
و فضائل زیارت از برگزیده بیرون گردید که در طی منازل و مراحل و کمی اسباب از
کتب اخبار صورت پذیرفت و لله الحمد اولا و آخرا مقصد دوم در بیان فضیلت
ارض مقدس منور که بجای معلی و فضیلت آب فرات و فضیلت و شرافت حرم انور
و تحدید حایر مقدس انور و شرافت تربت معطر منور آنحضرت و فواید
• و خواص آنست و بیان کیفیت اخذ تربت و اعمال آن بجهت شفای امراض و بیان
آداب و ادعیه وارده در آنست و اینکه جمیع خاکها حرام است خوردن آن سوی
قبر انور بجهت شفا و در این مقصد شش باب منعقد است بسم الله الرحمن
الرحیم نحمدک اللهم یا من جعل مدفن الحسین من اعال الجنان و نقدسک
یا من خلق من شعاع نور الحسین جمیع النعیم و الرضوان و قدر فیه الکرب
و البلاء لمن شهده فیه بعین الایقان و به ضاهت الکعبة قبلة لصلوة

بنی نوع الانسان و لو لا خلق وجود تربته فی علم الحکیم المنان
لما خلق مشعرا و مقاما و کعبة لاهل الملل و الادیان و خلقه الله قبل
خلق الکعبة باربعة و عشرین الف عام من الزمان مع انها تکون ام القری
و یوم دحو الارض شاهدة لاهل العرفان و جعل مدفن الحسین باب
الحوائج لمن التجاء ببابه من الانس و الجان و زاد سعة حریمه علی حرم الکعبة
و من دخله کان آمنا من البلایا و سخط النیران و لا یسئل فیه عن ذنبه
انس و لا جان من اهل العصیان و جعله من افضل اراضی اهل الجنة
فی الجنان متکئین فیها علی رفرف خضر و عبقری حسان و هی البقعة
التی کانت قبة الاسلام لاهل الاسلام و الایمان التی نجا الله علیها المؤمنین
الذین آمنوا مع نوح فی الطوفان و هی البقعة المبارکة التی ذکرها الله
تعالی فی القرآن و شرف بالنبوة جملة من الانبیاء و فیها کلم مع موسی بن عمران
و هی التربة المبارکة التی ولدت مریم علیها المسیح و صار لها الحجة و البرهان
و آیة فحملته فانتبذت به مکانا قصیا شاهدة کما نطق به القرآن و لذا
قال الصادق علیه السلام حنکوا اولادکم بتربة الحسین فانها امان
و کان محبة اهل البیت سجیة لهم بلا ذنب و نقصان و تخرق الحجب
السبع لمن سجد علیها فی الصلوة لاهل الایمان و تسبح لمن دار

بسبحته وان نسی التسبیح فی کل آن وزمان ویکون له ثواب عشرین
تسبیحة وان نسی التسبیح تفضلاً من الملك المنان وتحرم اکل الطین
سوی طین قبره فانه شفاء من کل داء وامان وهو الدواء الاکبر لمن
اخذه بالاعتقاد الکامل والایقان ویکون له حرز من کل خوف مثما من
الظالمین والسلطان وبخاة لاهل السفینة بالقاء ذرة منها فی البحر
لو استاصلهم الطوفان واما الاموات لو کان معهم فی القبور من
العذاب بسخط الیزدان وحفظاً للمتاع والاقمشة من السارقین
والعدوان وقلوب المؤمنین مجبول بمحبة الحسین وزیارته فی
کل آن وزمان ولذا قال فی حقه اشرف سلسلة الامکان ان
للحسین معرفة مکنونة فی قلوب اهل الایمان وفی قلوب من والاه
تبعه ولذا کان قلوبهم فی مصیبته کبیت الاحزان وما من لیلة تمضی
الا ویطوف بمرقده جبرئیل ومیکائیل وصوامع ملائکة الرحمن واربعة
الآف من الملائکة شعثاء غبراً ویطوف حول مرقده فی جمیع الازمان
ولیالی الجمعة مخصوصة بزیارة الانبیاء سیما الخلیل والذبیح والمسیح
وموسی العمران ولعنة علی من کرب مرقده بعدد ذرات الامکان
ونعم ما قال الجوهری یارب این بارگه کیست که معمار ازل کرده تعمیر ز نور

وز نور ازلی داده خلل یارب این روضه چه روضه است که فرش حرمش
خونده م کرسی اعلای فلک را اسفل خیل قدسی ببر کفش کمترش اصبح
خفته بر در به هم جمله چه خواب مخمل هر که خفتست بنا چه ولی از زر بحر بر
گوییا آب بقا میچکد از هر جدول خاک درش فشان چون بچمن نفخه گل
نهر در موج فزا چون بجنان جوی عسل هر موسی صفت چند بجلد سند روس
طور ظاهر شد از نور چه بر نخل جبل وندران همه مقری توحید مقال
خوش نثر از قهقهه کبک دری از سر تل چشم جیره شده بر شمسه ایوانش شمس
کیفی چه گویی که چه روضه و چه مکان دیر جل خفته عیسی نفسی در روی واین روضه اوست
که ز انفاس خوشش کور شفا یابد و شل کشته تشنه لب بادیه عشق حسینی
انکه بر دامن پاکش ز سیه است خلل سید کامده اولاد کرامش هر یک
رونق دین نبی بعد نبی مرسل گر بگویم که شرف یافته از وی آدم
این کلامیست که باشد ز مفصل مجمل نه آنست مقالش همه الهام وکروس
نه رسولست کلامش همه وحی منزل بعد احمد ز ولایت همه را افضل اوست
اینکه گویند ولایت ز نبوت افضل مرحبا قدرت شاهی که ز دو مخفی مانند
غزوه بدر و احد دعوی صفین و جمل حیدرا حیث والا جوان مردیت چند

که ستادند دلیرانه بمیدان جدل … مردوی کرده ز جان ترک تمنا احزر

دیگری برداشت بدل ذوق شهادت اول … جان نثار ره ان فرقهٔ شافع هر یک

زانکه دادند نکو کار شرف عنت اول … کلشن کرب و بلا طعنه زنند بر جنت

تازه کلهای جنان ساخته تر جیب و بغل … در شهادت ز رقش بهر شفاعت بنوشت

نام هفتاد و دو تن کاتب دیوان ازل … همه نام اور و لشکر شکن و خصم افکن

همه شیر اوژن صاحب حال کرده کشش اهل … میشد از بهر شرف در حرمش فرش حریم

اطلس چرخ نمی بود اگر مستعمل … توسن چرخ ز حلکش از کسر خور شید کشید

چرخ را از مه نو داغ کذارد بکفل … نسبت کوش ابا کعبهٔ اسلام خطاست

کر مثالش نتوان زد بجز از عرش مثل … جن و انس ازلی در یوزهٔ احسان دادند

امل بر در رش چشم کرم بار طلب دست امل … کسب نور از حرم اوست که مهر شام سحر

ماه و خورشید فروزند چراغ اول مشعل … خسروا نسبت قدر تو بگردون بخطاست

با تو هر بیسر و پا را نتوان یافت بطل … صفحهٔ صیقل مهر نکر دیدی صاف

اگر از مهرهٔ مهر تو نخورد صیقل … افتخار تو مصون است ز افکار حسود

گلستان را چه زیان از نفس خجل جعل … چون پدر جام شهادت برضا نوشیدی

اوز بن ملجم ببدین و تو از شمر دغل … دست من گیر خدیوا که عجب بی‌خبر است

توبه ماضیم

توبه ماضیم او معصیت مستقبل … سیئات و حسناتم شود اندم معلوم

که نهم نامهٔ اعمال بمیزان عمل … از معاصی من ار خرد لی آید بحساب

نه فلک یکطرف و یکطرف المثقال خردل … رحم آرید ببد کاری من موجودات

از ثری تا بثریا ز قمر تا بزحل … نفس اماره و ابلیس دو خصم منند

نه از ان بار کریزنه بایی دست جدل … مهر مه در بدر کو بکو شهر بشهر

میدوانند مرا منهزم مستاصل … نه مرا چشم امید از کف احباب بهم

نه مرا بود طلب در بر ارباب دول … بهر ار از قمه مرطع الطائف خاک

خوشتر از دخل ملاقات بر عقب … بطلب دو حرم جنش مرا تاج فرار

که ده در جهنم کشتند ام که در معتقد … داد کهم تا در صحرا از که شوکه توم

پاک عیب ز آلایش تفصیل علل … حور هر ملکش است کی خواهد رب

کر نه زین در که فیاض شوم منفعل … تا لوحشتم فی الحصیب حی بی

تا لو دیده اعدا ز دو سر اجل … تا خوف تو در ظلم خطوط حاصر

تا اعدای تو در شهد سکر تلخ حنظل … تمام الرساله فی تاریخ کامل شهر جمادی الاولی فی

سنه ۱۲۶۷ علی ید العبد الفقیر المسکین عتبات الشکور عبد الغفور فی مدرسه

المشتهر بدرب زرقی فی مشهد المقدس فی جوار الاستانه المقدسه المبارکه

الملتمس ممن نظر و طالع هذه الرساله ان لا ینسی المحرره من الله البر و الدعاء

فی دلمر زادو الهاسم ولوالدینا اللهم اغفر لمن اصاب هذه المسئله

باب اول در بیان فضیلت ارض مقدس معطر که بلد است محمد بن قولویه قمی

در کامل الزیارة واکثر کتب اخبار نقل شده است از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام
که آنحضرت فرمودند که زمین کعبه گفت کیست مثل من و حال آنکه بنای خانه خدا
بر پشت من ساخته شده است و می آیند مردم از اطراف عالم بسوی من و حق تعالی
مرا حرم و امان خود قرار داده پس وحی نمود بسوی او حق تعالی که ساکت شو
و قرار گیر که فضیلت تو نیست در جنب زمین کربلا مگر بمنزله سوزنی که
در دریا فرو برند و از آب دریا تر شود و مراد اینست که تری آن سوزن از آب
دریا چه نسبت دارد باب آن دریا و لولا تربة کربلا ما فضلتك ولولا ما تضمنته
ارض کربلا لما خلقتك وما خلقت البيت الذي افتخرت به یعنی هرگاه نه تربت کربلا
نبود ترا فضیلت نمیدادم و اگر آنکسی که زمین کربلا او را در بر گرفته نمیبود ترا
خلق نمیکردم و نه آن خانه را که تو بسبب آن فخر مینمایی پس قرار گیر و متواضع
و ذلیل شو از برای کربلای معلی و استنکاف و تکبر مکن بر کربلا والا فرو برم
ترا در آتش جهنم و ایضا از مجمع اوایل و اواخر امام محمد باقر علیه السلام روایت نموده که خلق
الله تبارك وتعالى ارض كربلا قبل ان يخلق الكعبة باربعة وعشرين الف عام یعنی
خلق فرمود خداوند عالم زمین کربلا را پیش از آنکه خلق فرماید زمین کعبه
را به بیست و چهار هزار سال و پیوسته چنین مقدس و مبارک بوده پیش
از آنکه خداوند عالم خلایق را خلق فرماید و همیشه چنین خواهد بود تا آنکه گرداند
خدا آن زمین را بهترین زمینهای بهشت و بهترین منزل و مسکنی که یسکن فیه
اولیائه في الجنة یعنی که ساکن شوند در آن مسکن دوستان خدا در بهشت
وایضا از مجمع الزاهدین و سیف الساجدین روایت نموده که آنحضرت فرمودند
که حق تعالی کربلا را حرم امن با برکت قرار داد پیش از آنکه خلق نماید کعبه را
زمین

زمین کعبه را و حرم گرداند او را به بیست و چهار هزار سال و حق تعالی
در ابتدای قیامت زمین را بزلزله در آورد بالا برند کربلا را با خاک پاکش
چنانچه هست نورانی و صاف پس بگذارند او را بهترین باغی از باغهای بهشت
و بهترین مسکن و ماوای در بهشت که در آن ساکن نشوند مگر پیغمبران
و مرسلان و آن روشنایی دهد در باغهای بهشت چنانچه ستارههای بسیار
روشن در میان ستارهها از برای اهل زمین روشنی میدهند و نورش دیدههای
اهل بهشت را خیره گرداند و ندا کند که منم آن زمین مقدس طیب مبارکی که
در بر داشتم بهترین شهیدان و بهترین جوانان اهل بهشت را و ایضا از مفتاح
النجاة که از مؤلفات سید نعمت الله جزائری است روایت شده که در وقتی از
اوقات حضرت امام جعفر صادق علیه السلام مریض شد بمرضی که طول کشید مرض آنحضرت
پس آنحضرت در حال مرض بخادم خود فرمودند مردی را از جانب من اجیر کن که بکربلا
رود و در نزد قبر امام حسین علیه السلام دعا نماید که خداوند عالم مرا از این مرض شفا عطا
فرماید پس خادم از برای اینکار بیرون رفت و در راه اجیری یافت که رفتن بکربلا مهیا نمود چون اجیر
بخدمت آن بزرگوار مشرف یاب گردید حضرت با او فرمودند آنچه بتو امر نمودم بجای
آور آن شخص عرض کرد که فدایت شوم تو امامی مفترض الطاعة چنانچه جد بزرگوارت
امام حسین علیه السلام چنین است پس چه سبب دارد این امر است که باید بروضه آنحضرت
بکربلای معلی بروم و در آنجا در حق جناب شما دعا نمایم حضرت صادق علیه السلام فرمودند بلی
آنحضرت چنین است که تو میگویی لکن از برای خداوند عالم بقعهها است که مستجاب
میشود بخداوند عالم دعا در آن بقاع زیرا که خداوند عالم امر نموده پیغمبر خود را که
اینکه طواف نماید در دور خانه کعبه و در برابر حجر الاسود را و وقوف نماید

در عرفات و مشعر و منی و حال آنکه پیغمبر خدا صلعم اشرف است از این مکانها جمیعا
پس از شخص احیبه (?) بکربلا رفتن و در روضهٔ عرش درجه انس و بر بجهت حضرت صادق ع
دعا نمود و خداوند عالم آنحضرت را از آن مرض شفا عطا فرمود و ایضا از حضرت
امام محمد باقر ع روایت نموده که آنسرور فرمودند که غاضریه یعنی کربلا بقعه ایست
که حقتعالی در آن بقعه سخن گفت با موسی بن عمران و مناجات کرد در آن با نوح
و آن گرامی ترین زمینهای خداست و اگر چنین نبود حقتعالی نمی سپرد در آن دوستان
و پیغمبران و فرزندان پیغمبران خود را پس زیارت کنید قبرهای ما را در غاضریه
و حضرت صادق ع فرمودند که غاضریه از تربت بیت المقدس است و ایضا روایت
نموده که حضرت رسول خدا صلعم فرمودند که مدفون خواهد شد پسر من در زمینی که
آنرا کربلا گویند و هو البقعة التی کانت قبة الاسلام التی نجا الله علیها المؤمنین
الذین آمنوا مع نوح فی الطوفان یعنی کربلا بقعهٔ الجنانیست که بر آن بوده قبة الاسلام
که نجات داد خدا بر آن قبه آنهائی که ایمان آورده بحضرت نوح در ایام طوفان و ایضا
از حضرت صادق ع روایت نموده که فرمودند زیارت کنید کربلا را و از آن قطع
مکنید که فرزند بهترین پیغمبران را در بر گرفته است بدرستی که ملائکه زیارت
کرده اند کربلا را قبل ان یسکنه جدی الحسین ع و ما من لیلة یعنی الا و جبرئیل ع
و میکائیل یزورونه یعنی پیش از آنکه ساکن شود جدم حسین در آن هیچ شبی نیست
مگر آنکه جبرئیل و میکائیل آنرا زیارت میکنند پس جهد کنید که پیوسته در آن مکان
باشید و ایضا از صفوان جمال روایت کرده است که گفت شنیدم که حضرت صادق ع
فرمودند که حقتعالی بعضی از زمینها و بعضی از آبها را بر بعضی زیادتی داده است
پس بعضی از آنها فخر کردند و بعضی بغی و زیادتی بر زمینهای دیگر نمودند پس

نمودند پس هیچ آب و زمینی نبود مگر آنکه معاقب شدند بترک تواضع و فروتنی
حتی آنکه مسلط کردانید خدا مشرکان را بر کعبه و فرستاد بر زمزم آب شوری
تا مزه اش را فاسد کردانید بدرستی که کربلا و آب فرات اول زمینی و اول
آبی بودند که حقتعالی مقدس و مبارک کردانید آنها را پس گفت بکربلا که سخن
بگو با آنچیزی که فضیلت داده ام پس از زمینها گفت در زمانی مفاخرت نمودند ز
و آبها بعضی بر بعضی قالت انا ارض الله المبارکة المقدسة الشفاء فی تربتی و مائی
و لا فخر بل خاضعة و ذلیلة لمن فعل بی ذلک یعنی گفت زمین کربلا منم زمین خدا
الجنان زمینی که مبارک و مقدسم و شفا در تربت و آب منست و لا فخر نمیکنم بلکه
خاضع و ذلیلم از برای کسی که مرا چنین نموده است و این را برای فخر بر زمینهای دیگر
نمیگویم بلکه شکر پروردگار خود میکنم پس خدا آنرا گرامی داشت و بسبب فروتنی
و شکر نعمت کرامت و شرافتش را زیاد کرد بحسین ع و اصحاب او پس حضرت صادق ع
فرمودند که هر که تواضع کند برای خدا بلند کند او را خدا و هر که تکبر کند خدا او را
ذلیل و پست کرداند و علامه مجلسی بسند معتبر از حضرت امام زین العابدین ع
روایت نموده که حضرت مریم باعجاز از دمشق بکربلا آمد و حضرت عیسی در موضع
قبر امام حسین ع از او متولد شد و در همان شب بدمشق برگشت و شیخ طوسی ره
در تهذیب از حضرت امام محمد باقر ع روایت نموده که آنسرور فرمودند که خلق فرمود
خداوند عالم زمین کربلا را پیش از آنکه خلق فرماید کعبه را بر بیست و چهار هزار
سال و آنرا مقدس و مبارک کردانید و پیوسته همیشه آن زمین مقدس و مبارک
بوده است پیش از آنکه خدا خلق فرماید خلایق را و لا تزال کذلک و جعلها
الله افضل الارض فی الجنة یعنی همیشه آن زمین چنین است و میکرداند آن زمین
را خداوند عالم افضل زمین بهشت عنبر سرشت و ایضا در تهذیب در باب

زیارات از مزار از حضرت صادق ع روایت نموده که چهار بقعه در ایام طوفان بفزع
آمدند از غرق شدن که بیت المعمور بود که خداوند او را بلند نمود بسوی آسمان
و نجف و کربلا و طوس بود مؤلف گوید که شاید که جهت بفزع آمدن این چهار بقعه
از زمین بسبب اضمحلال و نیست و نابود شدن ایشان باشد از استیلای
طوفان بر ایشان و معدوم شدن ایشان باشد از عبودیت و فرمانبرداری
خداوند باری پس خداوند رحم فرمود بر ایشان و بلند نمود بیت المعمور را باسمان
و قرار داد او را در صوامع ملکوت و حفظ نمودن سه بقعه دیگر را و قرار داد
در ایشان مدفن اولیا و مقربین خود را که محروم نشوند از عبودیت و فرمانبرداری
باری اخبار در فضیلت ارض مقدس متواتر بلکه بسیار است و حدیث ورود
حضرت امیر المؤمنین ع بزمین کربلا و خبر دادن از شهادت آنحضرت و فضیلت
آن زمین و همچنین حدیث خبر دادن جبرئیل بحضرت رسول شهادت آن سرور را در آن
زمین و بیان نمودن فضیلت آن زمین را سابقا ذکر نمودیم و اخبار دیگر در فضیلت
آن ارض مقدس گذشت مؤلف گوید هرگاه کسی تدبر و تفکر نماید در مضامین احادیثی
که سابقا در جلد اول این کتاب مذکور شد که هر یک از انبیای عظام که وارد ارض
مقدس کربلا شدند المی بایشان رسید و مطلع شدند از مصایب آن سرور در این
ارض فیض قرین و این مرتبه سبب علو رفعت شأن ایشان گردید بسبب حزن
و اندوه ایشان بر مصایب آن سرور عالمیان و تأسی نمودند ایشان در آن مکان
همین مطلب کفایت در علو شأن آن ارض مقدس مینماید قطع نظر از اخبار مذکوره

باب دوم در فضیلت آب فرات است علامه مجلسی ره در تحفة الزائر فرموده
که از حضرت امیر المؤمنین منقول است که چهار نهر است در دنیا که از بهشت است
فرات و نیل و جیحون و سیحان در بهشت فرات آب است و نیل عسل است و سیحان

ست

و سیحان شراب است و جیحون شیر است و ایضا روایت نموده که فرات بهترین آبها
در دنیا و آخرت و ایضا بسند معتبر روایت نموده که حضرت امام محمد باقر ع
پرسید از شخصی از اهل کوفه که آیا غسل میکنی در آب فرات هر روز یکمرتبه
گفت نه فرمود که در هر هفته یکمرتبه غسل میکنی گفت نه فرمود که در هر ماه
غسل میکنی گفت نه گفت که تو از خیر محرومی و ایضا فرموده که احادیث بسیار
وارد است هر طفلی را که کام او را بآب فرات بردارند البته محب اهلبیت رسول
خدا گردد و ایضا فرموده که بروایت معتبر منقول است که حضرت صادق ع بسلیمان
مجلی فرمود که اگر میان من و فرات از فرسخ فاصله میبود که میان شما و فرات است
هر اینه دوست میداشتم که دو طرف روز بر قدم نزد آن روم و شیخ طوسی در حدیث
معتبر دیگر از علی بن الحسین ع نقل نموده که حقتعالی در هر شب ملکی میفرستد
که سه مثقال از مشک بهشت در نهر فرات میریزد و هیچ نهری در مشرق و مغرب
نیست که برکتش بیشتر از نهر فرات باشد و ایضا بسند صحیح از حضرت صادق ع
روایت نموده که آنحضرت فرمودند گمان ندارم که کسیکه کام او را بآب فرات برداشته
باشند شیعه ما نباشد و فرمود که هر روز در آب فرات دو ناودان از بهشت
جاری میشود و ایضا در حدیث معتبر دیگر از آنحضرت روایت نموده که دو نهر
هستند که مؤمن میباشند و دو نهر کافر اما مؤمن نیل مصر است و فرات و اما کافر
نهر بلخ است و دجله پس برید کام اولاد خود را از فرات و ایضا در روایت معتبر
دیگر نقل نموده که چون حضرت صادق ع در زمان سفاح تشریف بکوفه آوردند بر
سر جسر کوفه ایستادند و بغلام خود فرمودند که مرا آب بده غلام کوزه آب ملاحی

مالک فت و آب بآنحضرت داد و چون حضرت میل فرمودند آب از دو طرف دهان
مبارک آنحضرت بر ریش مبارکش و جامه مطهرش میریخت پس دو مرتبه آب
دیگر طلبیدند و تناول فرمودند و در هر مرتبه حمد الهی بجا آوردند پس فرمودند که خیر
بسیار عظیم است برکت این نهر آب به رشتی که هر روز هفت قطره از بهشت
در آن میریزد اگر بدانند مردم که چه مقدار برکت در این نهر است هر آینه خیمها
در هر دو طرفش بزنند و اگر نه این بود که خطاکاران داخل میشدند هیچ صاحب دردی
و مرضی بو طرفش فرو نمیرود از آن مگر آنکه شفا می یافت شیخ طوسی در تهذیب از حضرت
صادق ع روایت نموده که مراد از قول خداوند متعال که فرموده و آویناهما الی
ربوة ذات قرار و معین ربوة نجف اشرف است و معین آب فرات است و ایضا شیخ
طوسی ره از آنحضرت روایت نموده که مراد از شاطی الواد الایمن الجنانی که خدا در
قرآن ذکر فرموده است نهر فرات است و بقعة المبارکه کربلا است باب سیم در
فضیلت حایر مقدس از روی است و بیان تحدید آن محمد بن قولویه قمی ره در کامل
الزیارة بابی منعقد نموده است که حایر از جمله اماکن شریفی است که دوست دارد
خداوند عالمیان اینکه بخوانند مؤمنین خدا را در آن مکان شریف و اخبار بسیار
در ذیل این باب نقل فرموده و همین قدر در فضیلت حایر کفایت میکند مینماید که
آن موضع شریف از جمله مواضعی است که موصوف است بحرم سید الشهداء و مکانیست
که خداوند عالم دوست دارد که مسافر نماز خود را تمام نماید باعتبار حب خداوند کثرت
نماز و دعا را در آن مکان چنانچه صاحب وسائل و دیگران بابی در استحباب کثرت
نماز در نزد قبر انور هر چه نماز واجب و چه مستحب عنوان فرموده اند و اخبار بسیاری

و اخبار بسیاری در ذیل آن باب نقل نموده اند و فقها بری از آن اخبار بها استفاده کرده اند
شد چنانچه جمیع فقهای اعلام رضوان الله علیهم در مبحث صلوة مسافر فرموده
که مسافر در چهار موضع مخیر است بین قصر و اتمام و اتمام افضل است و آن
چهار موضع مکه معظمه و مدینه مشرفه و مسجد جامع کوفه و حایر منور سید
الشهداء روحی له الفداء است چنانچه شیخ طوسی از حماد بن عیسی روایت نموده است
که حضرت صادق ع فرمودند من مخزون علم الله تعالی الاتمام فی اربعة مواطن حرم الله
و حرم النبی و حرم امیر المؤمنین و حرم الحسین بن علی ع یعنی از جمله مخزون علم
خداوند متعال تمام کردن نماز است در چهار موضع که حرم خدا و حرم پیغمبر
و حرم امیر المؤمنین و حرم امام حسین باشد و علما در حد حایر کتابی مختلف حکم
بحجة این حدیث فرموده و در بعضی از اخبار وارد شده است که حرم حسین ع
بقدر پنج فرسخ و بعضی چهار فرسخ وارد شده است چنانچه صاحب مدارک
تصریح فرموده و بعد از این ذکر خواهد شد بلکه شهید ثانی در لمعه و اشرفیه
روضه فرموده که تا هشت فرسخ نیز روایت شده است اگر چه فقهای اعلام حکم
تخییر را در این مقدار ثابت نفرموده اند لکن از باب فضیلت که مقصود است در
مقام کفایت میکند مینماید پس خوب ملاحظه نما که چه قدر خداوند متعال فضیلت
و شرافت بسید الشهداء روحی له الفداء مرحمت فرموده که حرم او را در حکم حرم
خود قرار داده چنانچه از حدیث سابق دانستی که فرمودند حرم الله و حرم الحسین ع
و دیگر آنکه حرم خداوند متعال که قبله آفاق است از آنچه از اخبار معلوم میشود دوازده
میل است چنانچه روایت شده که در وقتی که جبرئیل امین حجر الاسود را در مقام

خودش نصب نمود نور حجر از جانب راست بقدر چهار میل و از جانب چپ
بقدر هشت میل تلألؤ روشن شد و خداوند متعال این مقدار را قبله
اهل آفاق قرار داد لهذا از برای اهل حرم والاهم مستحب است که در حال
صلوة تیاسر نمایند زیرا که نور حجر الاسود از جانب چپ بقدر هشت میل آمد
چنانچه دانستی و بهمین حدیث شریف محقق حلی جواب فرمود خواجه نصیر طوسی را
وقتی که وارد شد در مدرس آن فقیه ربانی و همین مسئله درس میفرمود از
کتاب شرایع و بحث خواجه بر او این بود که ان کان التیاسر من القبلة الی غیر القبلة
فهو حرام وان کان من القبلة الی القبلة فهو واجب باری تأمل نما در حرم حسینی که
خداوند متعال الحکم حرم خود را با حرم آن سرور مشخص نموده بلکه اتساع حرم آن سرور
را بحرم خود بقدر سه میل موافق بعضی از روایات و دوازده میل موافق
بعضی از روایات دیگر افزوده وکفی بذلک فخرا و شرفا و مزیدا بلکه خاکم بدهن چه
نسبت است خود کعبه را که اشرف بقاع حرم است با حرم حسینی [illegible]
باحترام امام الهی ولی الله در روی مقام ابراهیم کعبه کجا و حرم حسین کجا خاک حرم
حسینی مسجود جمیع خافقین است و یک ذره از خاک کوی ایشان باعث ایمنی از خوف و ترس
والام و عذاب نشأتین است اگر آن حرم قبله اهل آفاق است لکن همین حرم نجاة
اهل آفاق است مکرر بخواطر بنداری ان حدیثی را که علامه حلی اعلی الله مقامه در کتاب منتهی
المطلب روایت نموده که زنی بود زانیه و خباثت آن زن فاحشه بمرتبه بود که اولاد
خود را که از زنا متولد میشود ایشان را باتش میسوزانید که اهل و اقارب و خویشانش
مطلع بر زنای او نشوند و هیچ یک از اقوام آن زن فاحشه از فعل قبیح او اطلاع نداشتند

نداشتند سوای مادر او و جمیع را و زنا کاری خود را باین فعل قبیح و عمل شنیع کرده مید
تا وقتی که مرگ او رسید بعد از آن همینکه آن زن را دفن نمودند زمین او را قبول نه
نمود و خاکها از او دور شد و او را از آن موضع بموضع دیگر نقل نمودند باز
همینکه او را دفن نمودند زمین او را بیرون انداخت و قبول نه نمود اهل او متحیر
شدند و بخدمت حضرت صادق ع آمدند و واقعه آن زن را بعرض مقدس
آن سرور رسانیدند آنحضرت متوجه بجانب مادر آن زن شدند و فرمودند
عمل این زن در دنیا چه بوده پس در آن وقت مادر آن زن باطن امر و حقیقت
خود را بعرض مقدس آنحضرت رسانید حضرت فرمودند جهت اینکه زمین او را
قبول نمی نماید اینست که این زن در ایام حیات خود جمعی از فرزندان خود را
که مخلوق خالق حکیم بودند بعذاب خداوند قهار که آتش است معذب مینموده است
لهذا او را زمین قبول نه مینماید و چاره او اینست که قدری از تربت حسینی ع
با این زن دفن نمایید پس چون اقارب آن زن چنین نمودند زمین او را قبول
نمود و این روایت در اکثر کتب است لا الیه فقره در باب دفن اموات نقل شده
و دیگر بخواطر بنداری ان حدیثی را که سابقا در خصوص خواب هرون حقه منه
و قصه عرش حمید نشان حضرت امیر المؤمنین آنسرور و منع فرمودن
آنحضرت از دخول جنازه آن شخص بغدادی فاجر را بنجف اشرف و امر فرمودند
شب دیگر به دخول آن جنازه را با کرام و احترام بسبب نشستن خاک کربلا
بر جنازه او و خداوند رحیم از سر تقصیرات او درگذشتن و همچنین آن حکایتی
که سابقا مذکور شد که پسر یکی از خلفای بنی مروان قیامت را در عالم رویا
دیده و مشاهده نمود که شخص معصیت کاره مهرا که گنا بسیار کرده بود ملائکه

عذابه خواستند که بجهنم برند حضرت پیغمبر فرمودند که روزی این شخص
بصحرای کربلا گذشته و غبار از آن صحرا بر جسد او نشسته و هر که غبار کربلا
بر جسد او بنشیند آتش دوزخ بر او حرام است و همچنین اخبار دیگر که مذکور
خواهد شد که خاک آن زمین مقدس چه قدر شرافت و فضیلت دارد لعل از این
و اما حد حایر شریف کلمات فقهاء در مبحث صلوة مسافر مختلف است و این
مقام جای تحقیق آن نیست و اختصار میشود بر آنچه مرحوم علامه مجلسی
در تحفة الزائر از اقوال نقل فرموده و در مزار کتاب بحار فرموده که بعضی گفته اند
که آنچه احاطه کرده است بآن دیوارهای صحن پس تمام صحن و عمارات متصله به و صفه
مقدسه از مسجد بالای سر و غیر آنها همه داخل خواهد بود و بعضی گفته اند که اصل ضریح
و قبر و بعضی گفته اند ضریح است با عمارات متصله بآن و ظاهر اکثر علماء و مشهور
میان سکنه اند دیار مغنی او نیست و از بعضی معمرین اهل سکنه آن اماکن
مقدسه مسموع شد که صحن شریف از پیش سر و جانب راست و جانب
چپ مضبوط است و تغییر نداده اند اما از طرف پشت سر تغییر داده اند
و قدر اصل و زیادتی معلوم نیست و دور نیست که آنچه از صحن گود است
داخل حایر باشد و آنچه بلند است داخل حایر نباشد چنانچه ابن ادریس در سرائر
گفته است که این مکان حایر میگویند برای آنکه در لغت عرب حایر مکان
پست را میگویند زیرا که آب در آن حیران و ساکن میگردد و شیخ شهید و جمعی
میگفتند که برای این مسمی بحایر گردیده است که در زمان متوکل علیه اللعنة
که امر با او بستند که اثر ضریح را منطمس سازند باعجاز آن حضرت
آب بدور حایر بلند شد و داخل حایر نشد و بنابر احتمال اخیر مسجد
نیز داخل حایر نخواهد بود با آنچه محاذی آنست از یمین و یسار و آنچه

احتمال

و یسار و آنچه عقب او است از صحن و در دخول حجرهای صحن در حایر تأمل
اول و احوط خالی از اشکالی نیست انتهی کلامه رفع مقامه باب چهارم در بیان فضیلت
و فوائد تربت منوره معطره آنسرور است بدانکه چون حضرت ابی عبدالله الحسین
مظهر رحمت واسعه خداوندی است لهذا خداوند عالم در تربت مطهره او خواص و فوائدی
قرار داده که باعث عموم فیض او شود بر خلایق از الجمله سجده بر آن خاک پاک
باعث قبول نماز و بودن خاک شریف در لحد با اموات موجب ایمنی از خوف
و عذاب نموده و تسبیح از آن خاک پاک را بدون ذکر تسبیح مستحبان ثواب تسبیح
قرار فرموده و یکذره از او موجب شفای امراض و اسقام علیله نموده
و دواء الاکبر طبیبان حاذق که دانند که همگان از معالجه مریضی بالمره مأیوس
میشوند متمسک بآن تربت معطره میشوند و ناخدایان کشتیها در نزد طلاطم دریا
و طلاطم امواج آن هنگام ابواب چاره از چهار جانب ایشان مسدود شود خلاصی آن
خاک پاک را حرز خود میسازند و صاحبان امتعه و اقمشه و اموال در حفظ
مال خواطر خود را بسبب وجود بودن آن تربت معطره در آنها جمع دارند
اولاد بسبب برداشتن کام اولاد خود را از آن خاک پاک از ایشان کام یابند و شده
ایشان را محب اهل بیت میدارند و اما سر اینکه سجده بر آن خاک پاک مستحب است
اینست که چون سجود بجهت خداوند بود و محض از برای خضوع و خشوع است
چنانچه در روایت هشام ابن حکم معلل است که قال قلت لابی عبدالله ع اخبرنی
عما یجوز السجود علیه و عما لا یجوز قال لا یجوز الا علی الارض او علی ما انبتت الارض
الا ما اکل و لبس فقلت له جعلت فداک ما العلة فی ذلک قال ع لان السجود خضوع

لله عز وجل الخ پس بنا بر این ساجد خاضع باید وضع نماید جبههٔ خود را که اشرف
مواضع ظاهر جسد خود است بر اشرف اشیاء و شکی نیست که اشرفیت اشیا
بحسب خضوع است و خاک خاضع ترین جمادات است بسبب اینکه در تحت اقدام
خلایق و حیوانات و در مقام اضمحلال و ذلت و مسکنت است پس خداوند قرار داد
که ساجد خاضع در این حال بر این سجود خاضع مقتدر شود و هرگاه این مقدمه
معلوم شد پس تامل و تدبر نما در اراضی ربع مسکون که کدام بقعه از آن خاضع تر
و خاشع تر بوده در مقام انقیاد و فرمان برداری باری ثابت قدم تر بودند و نظر
کن در حدیث صفوان جمال که سابقا ذکر شد و در کامل الزیاره و وسائل و اغلب
کتب مزار منقول است و نظر بان حدیث جمیع اراضی و میاه معاقب شدند بجهت
ترک خضوع و تواضع سوای ارض مقدسه و بعضی از آن حدیث این است فما من ارض
و لا ماء الا عوقب لترک التواضع لله حتی سلط الله علی الکعبة المشرکین و ارسل الی
زمزم ماء مالحا فافسد طعمه فقال الله تعالی لارض کربلاء تکلمی بما فضلک الله
فقالت انا ارض الله المقدسة المبارکة الشفاء فی تربتی و مائی و لا فخر بل خاضعة
ذلیلة لمن فعل بی ذلک و لا فخر علی من دونی بل شکرا لله فاکرمها و زادها بتواضعها
و شکرها لله بالحسین علیه السلام و اصحابه پس موافق این حدیث شریف ارض مقدسه کربلا
خاضع ترین جمیع زمینها و خاشع ترین جمیع بقعها است و چون سید مظلوم علیه السلام و انصار
شهیدان در مقام خضوع و خشوع و عبودیت چنان مستغرق شده بودند که انبیاء
مکلفین و اوصیای مرسلین از مرحلهٔ عبودیت و فرمان برداری آن مضطرب درگاه
باری متحیر بودند و در روز عاشورا سکان ملاء اعلی لب بجعلت فداک میکشتند

میکشودند و حملهٔ عرش و کرسی و خازنان جنة المأوی و یا لیتنی کنت معک آرزو
مینمودند اما تمامیت خضوع زمین کربلا در وقتی بمرتبهٔ کمال و درجهٔ رفعت
و اجلال رسید که ارواح پاک از صدر زین بر روی آن خاک پاک افتادند که رفعت
و خاک کربلا راس شریف اشرف الخاضعین را در دامان گرفت و خون جراحات
بدن مجروحش بروی زمین واقع گردید و بشرافت کرمها بالحسین علیه السلام و اصحابه
بظهور رسید و معلوم ملائکهٔ سموات گردید و مهرها بخاک خاضع ترین بقعات
زمین زمانی بروی خاضع ترین مخلوقات خالق السموات و الارضین علیه السلام پاشید
جراحات قلوب تعزیت داران شد که آن جسم چاک چاک و بدن آغشته بخون
و خاک را عریان نموده بر روی آن خاک انداختند از خاک پاک بعوض کفن
خود را بر آن جسم چاک چاک افشاندند و لو لا انتظار دشمنان مستور مینمودند و دیگر
اذیت و الم بر جسد انورش نمایند و بیش از این قلوب دوستانش را که
و فی قلوب من والاه قبره است مجروح نسازند آه آه از بی رحمان کوفه و شام
که حیا ننمودند و شقاوت را بمرتبهٔ کمال رسانیدند اسبها بر جسد مجروحش
تاختند و بسم اسبان جسم انورش را پایمال نمودند و خون و گوشت مقدس
منورش را ممزوج بآن خاک پاک نمودند پس چون از خاک پاک بسبب امتزاج
او با گوشت و خون آن محرم لولاک قدر و مرتبه اش از افلاک گذشت و در مرتبه
عبودیت خضوعش بسر حد کمال رسید از این جهت است که خداوند عالم او را
مسجود جمیع مقربین گردانید چنانچه حضرت صادق علیه السلام از آن خاک پاک را در حال نماز
بر سجاده میریختند و بر آن سجده مینمودند و بمعاویة بن عمار فرمودند که

که سجده بر تربت حسینیه هفت حجاب را میدرد مؤلف گوید که مراد دریدن
هفت حجاب اینست که چون نظر بروایت معاذ بن جبل بعضی از اعمال را در آسمان اول
ملائکه حفظه بجهت اینکه صاحب آن عمل غیبت نموده بر میگردانند و بعضی را در آسمان
دوم بسبب اینکه آن عمل را بجهت دنیا نموده بر میگردانند و بعضی را در آسمان سیم بجهت
کبر و بعضی را در آسمان چهارم بجهت عجب و بعضی را در آسمان پنجم بجهت حسد و بعضی را
در آسمان ششم بجهت عدم رحم صاحب آن عمل و بعضی را در آسمان هفتم بجهت ریا
و بودن آن عمل از برای غیر خدا بر میگردانند و گویا مقصود از سجده این باشد که هرگاه
سجده بر خاک کربلا واقع شود آن نماز از هفت آسمان میگذرد اگرچه صاحب آن
نماز متصف بآن اوصاف یا بعضی باشد و خاک کربلا چنین تاثیر دارد که میدرد
هفت حجاب را یعنی باعث قبول نماز میشود و باسمانها بالا میرود و از این جهت است
که تحفه و هدیه حوریان بهشت عنبر سرشت شده چنانچه علامه مجلسی در تحفة الزائر
روایتی نقل نموده که چون حوریان بهشت یکی از ملائکه را میبینند که بجهت کاری
بزمین میآید از او التماس میکنند که از برای تسبیح و تربت امام حسین علیه السلام بجهت ایشان هدیه بیاورد
و از این جهت است که مستحب است که قدری از آن خاک پاک را با میت در قبر بگذارند
چنانچه از حضرت امام رضا علیه السلام منقول است که چه مانع است شما را که هرگاه میت را دفن
کنند در برابر رویش مهری از خاک حضرت امام حسین بگذارند و در زیر سرش
نگذارند و ایضا بسند صحیح از حمیری منقول است که عریضه بخدمت حضرت صاحب
الامر نوشت و سؤال کرد که خاک قبر امام حسین را با میت در قبر میتوان گذاشت
در جواب نوشتند که با میت در قبر باید گذاشت و با حنوطش باید مخلوط کرد

مخلوط کرد و ایضا نوشت که کفن را میتوان بآن نوشت در جواب نوشتند که
جایز است و خوب است و این روایت را شیخ طوسی در احتجاج در باب
توقیعات محمد بن عبد الله بن جعفر حمیری بحضرت قائم عجل الله فرجه ایراد
نموده و از این جهت است که آن خاک پاک پیوسته مشغول تسبیح است چنانچه
در کتاب تحفة الزائر بسند معتبر از حضرت صادق علیه السلام منقول است که تسبیح خاک
امام حسین علیه السلام در دست آدمی تسبیح میگوید بی آنکه صاحبش تسبیح بگوید و حضرت
امام رضا علیه السلام فرمودند که هرکه بگرداند تسبیح تربت امام حسین علیه السلام را و بگوید سبحان
الله و الحمد لله و لا اله الا الله و الله اکبر با هر دانه مینویسد حق تعالی از برای او
شش هزار حسنه و محو نماید از او شش هزار گناه و بلند کرداند از برای او شش
هزار درجه و بنویسد از برای او شش هزار شفاعت و حضرت امام موسی کاظم علیه السلام
فرمودند و اگر در دست نگاه بدارد و تسبیح نگوید بعدد هر دانه هفت مرتبه از
برای او نوشته میشود بلکه روایتی که صاحب وسائل نقل نموده اینست که هرگاه
در دست بگیرد و از ذکر غافل باشد و بازی نماید بآن تسبیح ثواب بیست حسنه
در نامه عمل او نوشته میشود و این حدیث مقید شده است بتسبیحی که از خاک قبر
انور باشد و سی حسنه دانسته باشد و در حدیث دیگر روایت شده که
تسبیحها سبز در دست شیعیان ما مانند رشتهای سبز است که در عباهای بنی
اسرائیل بود حق تعالی بحضرت موسی وحی فرمود که امر کن بنی اسرائیل را که در چهار
جانب عباهای خود رشتهای سبز قرار دهند و بآنها خداوند آسمان را یاد کنند
مؤلف گوید که موافق این حدیث شریف مستحب است که تسبیح یا رشته آن سبز
باشد و اگر همه را سبز نمایند بهتر است چنانچه علامه مجلسی در تحفة الزائر

فرموده که بهتر آنست که هر دو سبز باشد و از این جهة است که آن تربت مقدسه
شفای جمیع امراض بلکه دوای بزرگ همه امراض است چنانچه در کتاب مذکوره
بسندهای معتبر از حضرت صادق ع روایت نموده که خاک قبر حسین بن علی بن
ابیطالب ع شفای هر دردی است و آنست دوای بزرگ و ایضا روایت
نموده که حضرت امام رضا ع فرمودند که هر گلی حرام است مانند میته و خون مگر طین
قبر حسین ع که آن شفای هر درد است و ایضا در حدیث معتبر دیگر از حضرت
از حضرت صادق ع نقل نموده که اگر بیماری از مؤمنان که حق و حرمت و ولایت و امامت
حضرت امام حسین ع را بداند بگیرد از طین قبر آنحضرت بقدر سر انگشت هر آینه
دوای او خواهد بود و ایضا بسند موثق از ابن ابی یعفور منقول است که بحضرت
حضرت صادق ع عرض کردم که یک شخص از خاک قبر امام حسین ع بر میدارد و منتفع
میگردد و دیگری بر میدارد و منتفع نمیشود فرمود که نه والله هر که بر دارد او را
باعتقاد درست و اعتقاد داشته باشد باینکه باو نفع می‌بخشد البته منتفع میشود و ایضا در روایت
دیگر نقل نموده که هر که را علتی برسد و مداوا کند بخاک قبر امام حسین ع حق تعالی
او را شفا می‌بخشد از آن علت مگر اینکه آن علت مرگ باشد و ایضا از حضرت امام محمد باقر
ع منقول است که بعضی از اصحاب آنحضرت بآنحضرت عرض نمودند که بنی فرموده‌ای بیمار
بود یاد کردم در مکه بودم که جامهٔ کعبه را بان بدوزند و من میخواستم که بحاجیان و خدمهٔ
خانه کعبه بدهم زیرا که من ایشان را میشناختم و میدانستم که خود متصرف میشوند
چون بمدینه آمدم بخدمت امام محمد باقر ع عرض کردم فرمود که آن را بده بغسل
و زعفران بگیر قدری از تربت امام حسین ع و با آب باران ضم کن و غسل و زعفران
را در آن بریز و بشیعیان بده که بیماران خود را بان دوا کنند و ایضا در حدیث

و ایضا در حدیث دیگر نقل نموده که خاک حایری که حسین ع در آن مدفون است
شفای هر درد و ایمنی از هر بیم و خوف است و ایضا در حدیث دیگر روایت
نموده که اگر بیماری از مؤمنان که شناسد حق و حرمت و امامت امام حسین ع
را از برای او از تربت آنحضرت از یک میل راه بر دارند از برای او شفا
و دوا خواهد بود و ایضا در روایت معتبر دیگر از حضرت صادق ع روایت
نموده که نزد سر الحضرت امام حسین ع خاک سرخی هست که شفا می‌بخشد
از هر دردی مگر مرگ را راوی گفت من رفتم و از بالای سر آنحضرت بقدر
یک ذراع کندم از بالای سر آنحضرت خاک سرخی ریخت بقدر درهمی بیرون آمد
بر داشتم و بکوفه آوردم و با دواها ممزوج ساختم هر بیماران میدادم و شفا
می یافتند و ایضا در حدیث دیگر فرمودند که هر گلی حرام است مانند گوشت
خوک و هر که بخورد و بمیرد من نماز بر او نمیکنم مگر گل قبر امام حسین ع که در آن
شفای هر درد است و اگر کسی از روی لذت و خواهش بخورد شفای از برای
او نیست و ایضا بسند معتبر از حضرت امام محمد باقر ع نقل نموده که طین قبر حسین
ع شفای هر دردی و ایمنی از هر خوف است و از برای هر مطلبی که بر دارند او را
اغلب حاصل میشود و ایضا در حدیث معتبر از ابو حمزهٔ ثمالی منقول است که
گفت عرض کردم بحضرت صادق ع که میبینم اصحاب ما که میگیرند خاک قبر امام
حسین ع را و طلب شفا از آن میکنند آیا شفا در آن هست فرمود که طلب شفا
میتوانند کرد از خاکی که بر دارند از میان قبر تا چهار میل و همچنین است خاک
قبر جدم رسول خدا ص و امیر المؤمنین و امام حسن ع پس بگیر از آن خاک که
آن شفای هر درد است و سپری است از برای دفع هر چه از آن بترسی و هیچ

۱۲

چیز برابری نمیکند از چیزهائی که از ان شفا طلب مینمایند بعضی از دغا و حیزی که ان را فاسد میکنند انست که در ظرفها و جاههای بد میکنند و انهائی که بان معالجه میکنند کم است یقین ایشان و هرکه یقینی داشته باشد که این از برای او شفا است هرگاه بان معالجه کند او را کافی خواهد بود و محتاج بدوای دیگر نخواهد بود و فاسد میکردانند ان تربت را شیاطین و کافران از جنیان که خود را بان میمالند و بهر چیزی که میکنند ان تربت را بو میکنند و اما شیاطین و کافران جن پس حسد می برند فرزندان ادم را و خود را بان میمالند که اکثر نیکی و بوی خوشی بر طرف میشود و هیچ تربتی از حایر بیرون نمی اید مگر اینکه مهیا میشوند از شیاطین و کافران جن از برای ان تربت انقدر که عدد ایشان را بغیر از خدا کسی نمیتواند احصی نمود و ان تربت در دست صاحبش میباشد و ایشان خود را بان میمالند و ملائکه نمیگذارند اینکه ایشان داخل حایر شوند و اگر تربت سالم از اینها بماند هر بیماری را که بان معالجه نمایند البته در ان ساعت شفا می یابد پس چون تربت را برداری پنهان کن و نام خدا را بر ان بسیار بخوان و شنیدم که بعضی از انها که تربت را بر میدارند ان را سبک میشمارند حتی بعضی از ایشان انرا در توبره چهارپایان خود میاندازند یا در ظرف طعام و چیزهائی که دست در ان بسیار مالیده میشود از خورجینها و جوالها پس چگونه شفا یابد کسی از ان تربت که این نوع احترام ان دارد و لیکن دلی که در ان یقین نیست و سبک میشمارد چیزی را که صلاحش در انست عمل خود را فاسد میکند و ایضا بسند معتبر از محمد بن مسلم روایت نموده که گفت رفتم بمدینه و بیمار شدم حضرت امام محمد باقر ع دوائی از برای من فرستاد که غلام او ریخته

که غلامی او را بود دستمالی بر بالای ان پوشیده بود نداد از غلام گفت بمن که بخور این را که حضرت بمن امر کرده است که نروم تا این دوا را بیاشامی پس چون گرفتم و خوردم شربت سردی بود در نهایت خوش طعمی و بوی مشک از ان ساطع بود پس غلام گفت که مولای من میفرماید که چون دوا را بخوری بنزد ما بیا من از این قول تعجب کردم زیرا که پیشتر حالی داشتم که قدرت بر خواستن نداشتم پس چون ان شربت در جوف من قرار گرفت گویا از بند رها شدم برخواستم و بدر خانه آنحضرت امدم و رخصت طلبیدم حضرت صدا زدند که جسمت صحیح شده است داخل شو پس داخل شدم و میگریستم و سلام کردم و دست و سر آنحضرت را بوسیدم پس که چرا گریه میکنی گفتم که فدای تو گردم میگریم بر غریبی خود و دوری راه از خدمت شما و کمی قدرت بر ماندن در ملازمت شما که به پیوسته نظر بر شما کنم فرمودند اما کمی قدرت پس حقتعالی چنین قرار داد نموده است شیعیان و اهل مودت ما را و بلا را بسوی ایشان تند کردانیده و اما انچه گفتی از غریبی پس مؤمن در این دنیا غریب است در میان این خلق و اگر تو از اینجا نه بدر روی بسوی رحمت خدا و اما انچه ذکر کردی از دوری راه پس تو را در این باب تاسی خواهد بود بحضرت ابی عبدالله الحسین ع که در زمینی است که دور است از ما در کنار فرات و اما انچه یاد کردی از محبت قرب ما و نظر کردن بسوی ما و انکه قادر نیستی بر ان پس بدانکه خدا میداند انچه در دل تو است و بر ان جزا خواهد داد پس فرمود که ایا بزیارت امام حسین ع میروی گفتم بلی با ترس و بیم بسیار فرمود که هر چند ترس بیشتر است ثواب عظیم تر است پس فرمود که چه گونه یافتی ان شربت را گفتم گواهی میدهم که شما اهلبیت

رحمتیه ونوروضی او صیای دو وقتی که غلام از شربت را آورد قدرت نداشتم که
بر پا بایستم و از خود نا امید شده بودم پس چون شربت سرد شیرین خوشبو را
نوشیدم غلام گفت که مولای من فرموده است که بیا گفتم با این حال میروم هر چند
جانم میرود و چون روانه شدم گویا از بند رها شدم پس سپاس خداوندی را است
که شما را رحمت که دانیده است برای شیعیان شما فرمودند آن شربت که خوردی از خاک
قبرهای پدران من بود و از برای شفا از آن بهشت چیزی عطا شد پس هیچ چیزی را
با آن برابر مکن که ما با اطفال و زنان خود میخورانیم و از آن چیزی بسیار میبینیم گفت
فدای تو شوم ما به مدینه میآییم و طلب شفا از آن میکنیم نمیبود شخصی که از ما به مدینه آید
و از آنجا بیرون میآورد ظاهر بی آنکه در چیزی بپیچد پس هیچ جن و هوام
و چیزی که دردی و بلائی داشته باشد نیست مگر اینکه از آن بو میکند پس برکتش
بر طرف میشود و برکتش را دیگران میبرند و آن تربتی که بآن معالجه میکنند
بیابید چنین عیب نباید شود و اگر نه علت باشد گفتم هر که آن را بر خود بمالد یا
از آن بخورد شفا میابد در همان ساعت و آن مثل حجر الاسود است که اول مثل
یاقوت بود در نهایت سفیدی و هر بیماری و دردناکی که خود را بر آن میمالید
در ساعت شفا میافت و چون صاحبان دردها از اهل کفر و جاهلیت خود را
بآن میمالیدند سیاه شد و اثرش کم شد و تو چون بر میداری تربت را ظاهر
و گشوده بیرون میآوری و در میان خرجین و جاهای چرکین میافکنی پس
برکتش میرود و ایضا از شیخ طوسی روایت نموده که محمد ازدی گفته که
در مسجد جامع مدینه نماز میکردم و در پهلوی من دو مرد بودند بر یکی

حسینع

بودند بر یکی از ایشان جامه سفر بود یکی از ایشان به دیگری گفت که در تربت قبر امام
شفای از هر درد هست و من مرضی داشتم و بهر دوا که مداوا کردم عافیت نیافتم
تا آنکه خوف هلاک بر من مستولی شد و از خوف نا امید شدم و نزد ما پیره زالی
بود از اهل کوفه که بنزد من میآمد در وقتی که علتم بنهایت شده داشت
و گفت درد تو را هر روز در زیادتی می بینم میخواهم تو را معالجه بکنم که از این
مرض نجات یابی گفتم من بسی محتاجم بچنین چیزی پس آب در قدحی کرده و بنزد
من آورد چون از آب را آشامیدم صحیح شدم که گویا هرگز آزاری نداشتم بعد از
چند ماه آن زن بنزد من آمد و او سلمه داشت گفتم یا ام سلمه آنچه دوا بود
که بمن دادی گفت یک دانه از این تسبیح که در دست دارم تو را دوا کردم گفتم این
تسبیح چیست گفت خاک قبر امام حسین است من با او گفتم که ای رافضیه مرا
مداوا بخاک قبر امام حسین میکنی پس آن زن خشمناک شد و از پیش
من بیرون رفت و در همان ساعت آزار من عود کرد و چندان شدت بهم
رسانید که خوف هلاک بر خود دارم و ایضا از شیخ طوسی بسند معتبر
روایت نموده که موسی بن عبد العزیز گفت که مرا ملاقات نمود یوحنای طبیب
نصرانی و گفت بحق پیغمبر و دینت که بگو کیست آنکسی که مردم بزیارت او میروند
در ناحیه قصر ابن هبیره آیا از اصحاب پیغمبر شما است گفتم او امام حسینع
پسر دختر پیغمبر ما است بمن بگو که چرا این سؤال کردی گفت در این باب
خبر عجیبی دارم سابور خادم رشید مرا طلبید چون بنزد او رفتم مرا
بر داشت و برد بخانه موسی بن عیسی که از خویشان خلیفه بود دیدم که بیهوش

افتاده است بر رخت خواب و در پیش روی او طشتی بود که جمیع احشایش
در آن طشت ریخته بود و هارون الرشید او را در زمان امام از کوفه طلبیده
بود سابور پرسید از خادم مخصوص موسی و گفت این چه حالت است
که در او می‌بینم گفت یکساعت قبل از این در نهایت صحت و خوشحالی
نشسته بود و با ندیمان خود صحبت میداشت و شخصی از بنی هاشم حاضر
بود گفت من علت شدیدی داشتم و بهر چه معالجه کردم فائده نداد تا آنکه
کاتب من گفت که از تربت حسین عم بردار و مداوا کن چنین کردم و عافیت
یافتم موسی گفت که هیچ از آن تربت در پیش تو مانده است گفتم بلی پس
فرستاد و قدری از آن تربت را آوردند موسی از روی استخفاف آنرا
در دبر خود داخل کرد چون چنین کرد در ساعت فریاد کرد که النار النار طشت
بیاورید چون طشت آوردند اینها که در طشت است از او جدا شد پس
ندیمان پراکنده شدند و مجلس ماتم مبدل شد سابور بمن گفت بیا ملاحظه
کن آیا چاره و علاج این مرد میتوانی کرد چون در طشت ملاحظه کردم جگر
و سپرز و شش و دلش همه در طشت افتاده دیدم بسیار تعجب کردم و گفتم
هیچ کس چاره این نمیتواند کرد مگر عیسی که مرده را زنده میکرده است سابور
گفت راست میگویی ولیکن اینجا باش تا معلوم شود که حالش بکجا منتهی
میشود من شب در نزد ایشان بودم ماندم و در سحر بجهنم واصل شد راوی
گفت یوحنا با دین نصرانیت مدتی می‌آمد و حضرت امام حسین عم را زیارت
میکرد و بعد از آن مسلمان شد و اسلامش نیکو شد و در وسائل از حضرت صادق

از حضرت صادق عم روایت نموده که از آنحضرت پرسیدند من اصابته علة فیتداوی بطین
قبر الحسین عم شفاه الله من تلک العلة الا ان تکون علة السام یعنی کسیکه برسد
با و مرضی پس بخورد کمی از خاک قبر حسین شفا میدهد خدا او را از آن
مرض مگر اینکه بوده باشد برای مردن یعنی اجل حتمی او رسیده باشد باری
اخباری که دلالت دارد صریحا بر اینکه خاک قبر حسین عم باعث شفای امراض
و اسقام است بسیار است بلکه قطع نظر از اینکه فقها و محدثین از اخبار در کتب
اخبار فقهیه در چهار موضع که باب مزار و باب سجود و باب دفن اموات و باب
اطعمه و اشربه است عنوان فرموده اند علاوه بر این اطبای اثنا عشریه در کتب
طبیه نیز ایراد فرموده اند چه گونه ایراد ننمایند و حال آنکه از خاک پاک
در اخبار کثیره موصوف است که هو الدواء الاکبر و بعضی دیگر از اخبار نیز
بعد از این در ابواب بعد مذکور خواهد شد انشاء الله تعالی و از این جهة است
که آن خاک مقدس موجب حفظ مال میشود از تلف چنانچه علامه مجلسی بسند
معتبر از شخصی روایت نموده که گفت حضرت امام رضا عم برای من کالا بسته
متاعی از خراسان فرستادند چون آن متاع را گشودم در میان آن خاکی بود
از آن مرد که آورده بود پرسیدم که آن خاک چیست گفت خاک قبر امام حسین است
هرگز آنحضرت از جامه و غیر جامه چیزی بجائی نمیفرستند مگر آنکه از آن خاک را
در میان آن میگذارند و میفرمایند که این امان است از بلاها باذن و مشیت خدا
و از این جهة است که بر داشتن کام اطفال را با آن تربت مقدس و آب فرات
باعث محفوظ بودن ایشان از بلایا و آفات و محبت اهل بیت اطهار میشوند چنانچه
از حضرت صادق عم مروی است که بردارید کام فرزندان خود را با تربت

امام حسین ع که امان می‌بخشد از بلاها علامه مجلسی در تحفة الزائر فرموده که
احادیث بسیار وارد است که هر طفلی که کامش را بآب فرات بردارند البته
محب اهل بیت میشود و از این جهت است که هر گاه آن خاک پاک با شخصی باشد
حرز او خواهد بود از آفات و بلایا و موجب ایمنی او خواهد بود از هر بیم و خوف
مؤید
چنانچه اخبار بسیار در این مقال است مؤلف کتاب عاصی عرض مینماید که انچه تجربه
بیقین از تربت روزکار از شرافت خاک و عنبر بوی آن بکرات و مرات مکرر شده
اینست که در وقت مراجعت از ارض فیض غرض از کثرت گریه دیده این
چشم این مذنب عاصی را صدمه شدیدی عارض کردید سیما صبح آن روزی که
بنای رحیل بود بعد از وداع آن روضه از جان جهان و مخزن زمین و آسمان چون بخود
بجهت تهیه سفر دست بکار شدم بعضی از همراهان گفتند که در هوای زمستان
با این حال که چشم تو یکقطعه خون بسته کردیده مشکل است که بتوانی مرحله پیما
شوی حقیر بر گشتم و با آنحال که لباس سفر پوشیده بودم بدر صحن مقدس
مقابل ضریح مطهر آن سرور ایستادم و عرض کردم ای مولا رفتیم و بردیم داغ
داغ تو به دل وادی بوادی منزل بمنزل پس با دیده اشکبار و دل پر از تیغ
و ملال بخاک تربت معنبر شرفیاب نمودم که هذا زمان الفراق مع انی الوجیا بک
کثیر الاشتیاق لکن در این زمان صاحبا کرم وجود بزائرین و اراده عطایای — وفق است که
وافره و بخششهای عظیم مبذول میدارند بر جناب مقدست معلوم است که این
عاصی تیره روزکار بچه درد کرفتارم و از مرحمت و کرمت چه مرحله امیدوارم
بزمین افتادم پس قدری از آن خاک پاک عتبه در صحن مقدس برداشتم
و بجهت حرز امان از بلایا و مکاره بر گوشه عمامه خود بستم و از آن خاک پاک

در آن خاک پاک مس بر اوج افلاک رسانیدم و بمنزل مراجعت نموده
با همراهان عزیمت رفتن از آن سرزمین مقدس نموده و صبح آن روز
آفتاب بود همینکه از پل سفید کذشتیم هوا ابر و باد و شمال سرما
وزیدن کرفت و بنای همراهان این بود که همان روز از جسر مسیّب
بگذرند لکن بجهت اینکه بعضی از جسر را قطع نموده بودند شب در این
سمت جسر در رباط توقف نمودند این حقیر سر را با تقصیر قدری از آن خاک
پاک را توتیای دیده نموده و بخواب رفتم همینکه صبح از خواب بیدار شدم چشم
خود را بهیچ وجه من الوجوه حمرتی و عیبی ندیدم و از برکت آن خاک پاک
مقدس که حرز خود نموده بودم بهیچ آفتی و آسیبی در آن سفر مشاهده نه
نمودم چه کونه آن خاک پاک چنین نباشد و حال اینکه در اخبار کثیره وارد
شده که موجب ایمنی از خوف و بیم و اما نسبت با باب پنجم در مکانیکه باشتن
آن تربت مقدس معطل شده و تحفه بردن و بیان بعضی از آداب و شرایط
و ادعیه وارده در آن نسبت بدانکه روایات در این خصوص مختلف است در بعضی
از روایات تحفه بردن بهشت فرسخ است چنانچه شهید ثانی نقل شده که در باب
اطعمه و اشربه شرح لمعه نسبت بروایتی داده و بعضی از روایات تحدید ببر
پنج فرسخ در پنج انچهار جانب قبر انور وارد است چنانچه در رسائل در باب
حد حرم الحسینی الذی یستحب التبرک بتربته دو روایت نقل نموده روایت
اول مرفوعه منصور بن عباس است از حضرت صادق ع قال حد حرم الحسین ع
خمس فراسخ من اربع جوانب القبر یعنی حد حرم امام حسینی ع پنج فرسخ است

از چهار جانب از اطراف قبر او روایت دوّم را از شیخ صدوق نقل نموده
قال ع حریم قبر الحسین خمسة فراسخ من اربع جوانب القبر و در بعضی
از روایات تحدید به چهار جانب فرسخ است چنانچه سابقاً از صاحب
مدارک معلوم شد و در بعضی از روایات ده میل است که سه فرسخ و ثلث
فرسخ باشد چنانچه صاحب وسائل در باب مذکور و علامه مجلسی در تحفة
الزائر بسند معتبر از حضرت صادق ع نقل نموده که برکت قبر امام حسین ع ده میل است
مؤلف گوید که این ترجمه در صورتی درست است که لفظ حدیث برکت باشد
و اما موافق حدیثی که شیخ طوسی در تهذیب و صاحب وسائل در وسائل نقل نموده اند
این قسم است کذا التربة من قبر الحسین بن علی ع علی عشرة امیال لیس بنا بر این ترجمه
برکت از سهو نساخ خواهد بود و در عبارت مرحوم مجلسی و در بعضی از روایات یک
فرسخ در یک فرسخ است چنانچه صاحب وسائل در باب مذکور از حضرت صادق ع
روایت نموده قال ع حریم الحسین ع فرسخ فی فرسخ من اربع جوانب القبر و در بعضی
از روایت چهار میل است که یک فرسخ و ثلث فرسخ باشد چنانچه محمد بن قولویه قمی
در باب مذکور در باب من این یؤخذ طین قبر الحسین از حضرت صادق ع روایت
نموده قال ع یستشفون بما بینه و بین القبر علی راس اربعة امیال یعنی طلب شفا باید کنند
ایشان میان قبر او تا چهار میل و در بعضی از روایات یک میل است که ثلث فرسخ باشد
چنانچه محمد بن قولویه در باب مذکور از حضرت صادق ع روایت نموده قال لو ان مریضا
من المؤمنین یعرف حق ابی عبدالله الحسین ع و حرمته و ولایته اخذ له من طین قبره
علی راس میل کان له دواء و شفاء یعنی هرگاه یکی از مؤمنین که مریض باشد و بداند

باشد و بداند حق و حرمت و ولایت امام حسین ع را و بر داشته شود از برای او
از خاک قبر آن حضرت تا یک میل را خواهد بود آن طلب از برای آن مریض دوا و شفا
و در بعضی از روایات چنانچه محمد بن قولویه قمی در باب مذکور از حضرت صادق ع روایت
نموده هفتاد باع است قال ع یؤخذ طین قبر الحسین ع من عند القبر علی سبعین
باعا فی سبعین باعا یعنی آن حضرت فرمودند بر داشته میشود خاک قبر امام حسین ع
از نزد قبر آن حضرت تا هفتاد باع در هفتاد باع و باع یک بغل است که هر دو دست
را بگشایند و مرحوم علامه مجلسی فرموده اند که تقریباً بقدر چهار ذراع میشود در تحفة الزائر
و دو وجب بیست و در بعضی از روایات هفتاد ذراع است چنانچه صاحب وسائل
در باب مذکور از حضرت صادق ع روایت نموده قال ع یؤخذ طین قبر الحسین ع
من عند القبر علی سبعین ذراعا یعنی آن حضرت فرمودند اخذ میشود خاک قبر امام
حسین ع از نزد قبر آن حضرت تا هفتاد ذراع و در بعضی از روایات بیست و پنج
ذراع است چنانچه صاحب وسائل از اسحق بن عمار روایت نموده که گفت
سمعت ابا عبدالله ع یقول لموضع قبر الحسین ع حرمة معروفة من عرفها و استجار
بها اجیر قلت صف لی موضعها قال امسح من قبره الیوم خمسة و عشرین ذراعا
من ناحیة راسه و موضع قبره من یوم دفن روضة من ریاض الجنة و منه معراج
یعرج فیه باعمال زوّاره الی السماء و ما من ملک فی السماء و لا فی الارض الا و هم یسئلون
الله ان یاذن لهم فی زیارة قبر الحسین ع ففوج ینزل و فوج یعرج یعنی گفت اسحاق
بن عمار که شنیدم از حضرت صادق ع که میفرمود که موضع قبر حسین ع را حرمت
معلومی هست هر که آن حرمت را بشناسد و پناه بان ببرد امان می یابد اسحاق
بن عمار میگوید گفتم وصف بفرمایید از برای من موضع آن حرمت را فرمود
که بپیمایی از موضع قبر شکر امروز هست از جانب سرش بیست و پنج

ذراع و موضع قبر شریف آنحضرت که معروف شده است در آن باغیست از باغهای بهشت
و از آن موضع معراجی است بسوی آسمان که اعمال زائرین را از آنجا بالا میبرند
و نیست هیچ ملکی در آسمان و زمین مگر اینکه از ملائکه سؤال مینمایند از خداوند
عالم اینکه اذن دهد ایشان را در زیارت آنحضرت پس یک فوج نازل میشوند
بزیارت آنحضرت و یک فوج بآسمان بالا میروند و در بعضی اخبار در باب مذکور
نیز روایت نموده از حسن بن محبوب مثل این روایت را ولکن در آن روایت
چنین وارد است که اسیح فی موضع قبره الیوم خمسة و عشرون ذراعا مما یلی وجهه الا
و در بعضی روایات بیست ذراع است چنانچه صاحب تهذیب و وسائل در باب
مذکور از عبد الله بن سنان از حضرت صادق ع روایت نموده که قال سمعته یقول
قبر الحسین عشرین ذراعا مکسرة روضة من ریاض الجنة یعنی عبد الله بن سنان
میگوید که شنیدم از حضرت صادق ع که میفرمود قبر امام حسین ع بیست ذراع
مکسر یعنی بیست ذراع در بیست ذراع باغی است از باغهای بهشت و در بعضی اخبار
بسیار وارد شده که خاک قبر آنسرور شفا است و تقیید بمواضع مذکوره نشده
بلکه بر سبیل اطلاق وارد است و تقیید و تحدید ببعضی از مواضع مذکوره در آنها
نیست مؤلف گوید که شاید اختلاف اخبار محمول بر مراتب فضیلت باشد
چنانچه شیخ طوسی در تهذیب و دیگران فرموده اند و سر شرافت و رتبه
این ارض مقدس بسبب ریختن خون مبارک آنحضرت است بر آن و اگر کسی
بگوید که خون مبارک آنسرور چه گونه میشود تا اینقدر مسافت از هشت
فرسخ و پنج فرسخ و چهار فرسخ و ده میل و چهار میل و یک فرسخ و یک میل
و هفتاد باع و هفتاد ذراع و بیست ذراع واقع شده باشد جواب گوییم
اگرچه جسد مطهر آنحضرت در وقت شهادت در همان مکانی که مقتل آنسرور

که مقتل آنسرور است مطرح بود و خون حلقوم مبارکش ظاهرا در همان مکان
بر زمین واقع شد اما در وقتی که آن ده خبیث ملعون اسب بر بدن جسد
مقدسش تاختند و سم اسبان مخالفان آغشته بخون مبارک آنسرور مظلوم
گردید و هر موضعیکه سم خون آلود از اسبان میرسید خون مطهر آنسرور بر آن
زمین واقع میشد و این معنی بر صاحبان بصیرت پوشیده نیست که هرگاه سم یا نعل
اسبی خون آلود شود تا طی مسافت ننماید از خون بالمره از آن بر طرف نمیشود
سیما هرگاه آن خون خشک شده باشد پس استبعادی ندارد که تا پنج فرسخ و زیاد
و کم سم اسبان اثری از خون مبارک آن آقای شهیدان داشته باشد و هر چه مسافت
بجسد مقدس آنسرور نزدیکتر باشد خون مبارک آنسرور بیشتر در آن موضع
رسیده باشد و شرافت آن مکان بیشتر باشد باین موضع که یقینی بوقوع خون
مطهر آنسرور در آن زمین بیشتر است فضیلت در آن مکان بیشتر و مؤید
این مطلب اینست که علما و محدثین در این مقام فرموده اند که اقصی مراتب فضیلت
که اخذ تربت از آن مسافت میشود از ضریح مقدس است تا پنج فرسخ و از آن
بهشت یک فرسخ است و از آن اشرف بهشت یک میل است و اشرف از آن هفتاد باع است و اشرف
از آن هفتاد ذراع است و اشرف از آن بیست و پنج ذراع است و اشرف از آن
اهل ضریح است پس هر مکان که یقینی بوقوع خون مبارک آنسرور مظلوم
در آن بیشتر است شرافت آن زیادتر است و با آنچه مذکور شد رفع میشود
تنافی بین اخبار وارده در این مقام و جمع میشود اخبار ع که دلالت دارد
بر جواز اخذ تربت از ارض مقدس آن فخر انام با اینکه در وقتی که سر مقدس
آنسرور را چنانچه در کتاب مناقب السعداء روایت نموده ملعونی که در توبره
اسب خود نهاده بود و از ارض نینوا فرات بیرون میبرد احتمال دارد که قطرات

خفتاد توبره اسب آن ملعون بر آن زمین چکیده باشد و بر اگر آن خبیث توبره که
آن سر انور را در آن نهاده بود در غاشیه زین او بخته بود بعید نیست که خون
لاینقطع از آن سر انور به آن ارض اقدس ریخته باشد مکرر بخاطر ندارم ی
حکایت دو طفل مسلم را که در وقتی که حارث آن دو سر مظلوم را بنزد ابن زیاد
میبرد خون لاینقطع از آن دو سر انور جاری بود تا او را در مجلس ابن زیاد شد
و حدیث چکیدن خون از آن سر انور بر ردای ابن زیاد و سوراخ نمودن از مؤیدات
این مطلب است و مؤید این مطلب است آنچه مرحوم آقا سید مهدی طباطبائی
در درة نجفیه در باب فضیلت عاذر مشاهد مشرفه فرموده والسر فی فضل
صلوة المسجد قبر المعصوم بر مستشهد بر بشرة من دمه المطهر طهره
الله لعبد ذکره و هی بیوت اذن الله بان ترفع حتی یذکر اسمه الحسن
و من حدیث کربلا و الکعبة لکربلا بان علو الرتبة و بین مؤید این مطلب است
که علامه مجلسی بسند معتبر از حضرت صادق ع روایت نموده که هر که خاک قبر
حسین را بخورد نه از برای شفا چنانست که گوشت ما را خورده است و در روایت
دیگر فرموده که هر که خاک قبر امام حسین ع را بخورد چنانست که گوشت الخف
مار و حشرات و خوک خورده باشد و بنا بر آنچه مرحوم علامه مجلسی و دیگران فرموده اند
زیاده از قدر نخودی بجهت شفا نخورند و اگر بقدر عدسی زیاده نخورند
احوط است و احوط آنست که آن تربت را از موضع نزدیکتر بقبر مقدس بر دارند
و با دعاها و آداب منقوله از ائمه اطهار بر دارند و در وقت خوردن با دعا
و ادعیه منقوله بخورند و اما طهارت پس اشیء از خاک پاک پس در آن
چند حدیث وارد شده است حدیث اول محمد بن قولویه قمی در کامل الزیارة
و شیخ حر عاملی در وسائل و علامه مجلسی در بحار بسند معتبر از حضرت صادقه

از حضرت صادق ع روایت نموده که گفت بخدمت حضرت صادق ع عرض کردم که
من درد بیماری بسیار دارم و هر دوا که مداوا کردم نفع نیافتم حضرت فرمودند
که چرا غافلی از تربت قبر جدم حضرت امام حسین ع که در آن شفای هر درد و ایمنی
از هر خوف هست چون تربت را بر داری این دعا را بخوان اللّهمّ انّی اسئلک
بحقّ هذه الطّینة و بحقّ الملک الّذی اخذها و بحقّ النّبیّ الّذی قبضها و بحقّ
الوصیّ الّذی حلّ فیها صلّ علی محمّد و اهل بیته و اجعل فیها شفاءً من کلّ داءٍ
و امانًا من کلّ خوفٍ و در کتاب تحفة الزائر فقره آخر دعا از واجعل تا آخر را
نقل فرموده و حال اینکه جزو دعا است بار دیگر بعد از آن عرض کرد فرمودند اما الملک
الذی اخذها فهو جبرئیل اراها النبی ص فقال هذه تربة ابنک یقتله امتک من بعدک
والنبی الذی قبضها محمد ص والوصی الذی حل فیها فهو الحسین بن علی ع سید الشهداء
قلت قد عرفت الشفاء من کل داء فکیف الامان من کل خوف فقال اذا خفت سلطانا
او غیر ذلک فلا تخرج من منزلک الا و معک من طین قبر الحسین ع و قل اذا اخذ تربته
اما ملکی که تربت را اخذ کرده جبرئیل بود و آن تربت را بر پیغمبر نمود و گفت این
تربت پسر تو حسین است امت تو بعد از تو او را خواهند کشت و پیغمبری که او را
قبض نمود محمد ص بود و وصی که در آن حلول کرده است حضرت امام حسین ع است
راوی حدیث میگوید گفتم شفای هر درد را فهمیدم بفرمائید که چگونه باعث
ایمنی از هر خوف میشود فرمودند که هر گاه از پادشاهی و یا غیر او بترسی از خانه
بیرون مرو مگر تربت آنحضرت با تو باشد و بگو هر گاه بگیری آن تربت را اللهم
انّی اخذته من قبر ولیّک و ابن ولیّک فاجعله لی امنًا و حرزًا

لِمَا أَخَافُ وَمَا لَا أَخَافُ زیرا که آدمی گاهست که بر او بلاهای چند وارد میشود که خوف
آنها را ندارد راوی حدیث میگوید که چنانچه حضرت فرموده بودند من تربت را اخذ کردم
والله عالم که فرموده بودند خواندم پس بدنم صحیح شد و امان من گردید از آنچه میترسیدم
و بعد از آن بحمد الله مکروهی و المی ندیدم مؤلف گوید که از ظاهر حدیث مستفاد میشود
که هرگاه تربت را بجهت شفا قصد نماید که بر دارد دعای اول را بخواند و هرگاه قصد ش
ایمنی از خوف و بیم از سلاطین و ظالمین باشد دعای ثانی را بخواند حدیث دوم در وسائل
و تحفة الزائر از زید شحام مروی است که حضرت صادق علیه السلام فرمودند که حق تعالی گردانیده
است تربت حسین را شفای هر درد و امان از هر خوف پس هرگاه یکی از شماها را
خواهد که بردارد تربت را پس ببوسد آن را و بر هر دو دیده گذارد و بر سایر بدن
بمالد و بگوید اللّهمّ بحقّ هذه التّربة و بحقّ من حلّ بها و ثوی فیها و بحقّ جدّه و أبیه
و أمّه و أخیه و الأئمّة من ولده و بحقّ الملائکة الحافّین به إلّا جعلتها شفاءً
من کلّ داءٍ و برءً من کلّ مرضٍ و نجاةً من کلّ آفةٍ و حرزاً ممّا أخاف و أحذر
پس از آن استعمال نماید راوی حدیث میگوید که من همیشه در ایام حیوة خود چنین
کردم و بحمد الله هیچ مکروهی ندیدم مؤلف گوید که از ظاهر حدیث چنین معلوم
میشود که این دعا را میشود بقصد شفا و ایمنی از مکاره و بلاها در وقت برداشتن
تربت منوره مطهره خواند حدیث سیم در کامل الزیارة و وسائل از مفضل او لیل [illegible]
حضرت امام محمد باقر علیه السلام روایت شده که فرمودند مهر زدن بر تربت حضرت امام حسین
اینست که سورۀ انّا انزلناه فی لیلة القدر را بخوانی مقصود اینست که هرگاه این سوره
مبارکه بر او خوانده شود از تربت محفوظ است و خواصش باقی خواهد بود و روی

اذا اخذته فقل و روایت شده است که هرگاه اراده بر داری از تربت را پس بگو
بسم الله اللّهمّ بحقّ هذه التّربة الطّاهرة و بحقّ البقعة الطّیّبة و بحقّ
الوصیّ تواریه و بحقّ جدّه و أبیه و أمّه و أخیه و الملائکة الّذین یحفّون
به و الملائکة العکوف علی قبره و لیک ینتظرون نصرته صلّی الله علیهم
أجمعین اجعل لی فیه شفاءً من کلّ داءٍ و أماناً من کلّ خوفٍ و غنًی من کلّ فقرٍ
و عزّاً من کلّ ذلٍّ و أوسع به علیّ فی رزقی و أصحّ به جسمی حدیث چهارم
در تحفة الزائر از ابن سنان روایت شده که چون بر داری تربت را بگو
اللّهمّ بحقّ هذه التّربة و بحقّ الملک الموکّل بها و بحقّ الملک الّذی کربها
و بحقّ الوصیّ الّذی هو فیها صلّ علی محمّدٍ و آل محمّدٍ و اجعل هذا الطّین شفاءً
لی من کلّ داءٍ و أماناً من کلّ خوفٍ و اگر چنین کند البته شفای او است از هر
دردی و امان او است از هر خوفی حدیث پنجم در کامل الزیارة و تحفة الزائر به سند
معتبر از حضرت صادق علیه السلام منقول است که چون خواهی خاک قبر امام حسین علیه السلام را بر داری
پس سوره حمد و قل اعوذ برب الفلق و قل اعوذ برب الناس و قل هو الله احد
و انّا انزلناه فی لیلة القدر و یس و آیة الکرسی بخوان و در تحفة الزائر فرموده
بنابر بعضی نسخ قل یا ایّها الکافرون را نیز بخوان و بگو اللّهمّ بحقّ محمّدٍ و در
کامل الزیارة بعد از محمّد لفظ و آل محمّد را نیز نقل نموده عبدک و رسولک
و حبیبک و نبیّک و رسولک و أمینک و بحقّ أمیر المؤمنین علیّ بن

ابي طالب عبدك واخي رسولك وبحق فاطمة بنت نبيك
وحجتك ووليك وبحق الحسن والحسين وبحق الائمة الراشدين
وبحق هذه التربة وبحق الملك الموكل بها وبحق الوصي الذي هو فيها
وبحق الجسد الذي تضمنت وبحق السبط الذي ضمنت وبحق جميع
ملائكتك وانبيائك ورسلك صل على محمد وآله واجعل هذا الطين
شفاء لي ولمن يستشفي به من كل داء وسقم ومرض وامانا من كل خوف
اللهم بحق محمد واهل بيته اجعله علما نافعا ورزقا واسعا وشفاء
من كل داء وسقم وآفة وعاهة وجميع الاوجاع كلها انك على كل شيء
قدير حديث ششم در تحفة الزائر بسند معتبر از حضرت صادق ع نقل
نموده كه شخصي بخدمت آنحضرت عرض نمود كه من شنيدم كه شما فرموديد كه تربت
حسين ع از دواهاى مفرده است و بهيچ دردى نميگذرد مگر آنكه از او دفع مينمايد
فرمودند بلى من گفتم ام آن شخص عرض كرد كه من خوردم و از آن نفع نيافتم فرمود
كه آن دعائى دارد هركه بخورد و آن دعا را نخواند نفع نمى‌يابد پرسيد كه چه دعا
بايد خواند فرمود كه چون تربت را بردارى اول ببوس و بر هر دو ديده بگذار
و بر ملا زيادة از يك نخود كه هركه زياده از آن را بخورد چنانست كه گوشت
و خون ما را خورده است پس چون بردارى بگو اللهم اني اسئلك بحق
الملك الذي قبضها واسئلك بحق النبي الذي خزنها واسئلك بحق الوصي

الوصي الذي حل فيها ان تصلي على محمد وآل محمد وان تجعله شفاء
من كل داء وامانا من كل خوف وحفظا من كل سوء پس چون اين دعا
را بخوانى تربت را بر جامه ببند و بخوان بر آن سوره انا انزلناه في ليلة القدر
را كه آن دعاى محفوظ و بر داشتن است و خواندن انا انزلناه بمنزله مهر
كردنست حديث هفتم بسند معتبر ديگر نقل نموده كه جابر جعفى گفت رفتم
بخدمت امام محمد باقر ع و شكايت كردم با آنحضرت كه دو مرض ضد يكديگر
دارم و هر يكى را كه مداوا ميكنم ميبينم ديگرى زياده ميشود فرمود كه بر تو
باد بخوردن تربت قبر حسين بن على ع گفتم كه بسيار خوردم و فائده نبخشيد
چون اين را گفتم از روى مولاى خود اثر غضب مشاهده نمودم پس گفتم كه مولاى
من پناه ميبرم بخدا از غضب تو و آنسرور برخواست و داخل خانه شد غضبناك
و چيزى بمن عطا كرد بود نزد حبه و فرمود كه بخور من خوردم در همان ساعت
عافيت يافتم گفتم اى مولاى من اين چه دوا بود كه باين زودى در من اثر كرد
فرمود كه همانست كه گفتى خوردم و فائده نبخشيد گفتم والله اى مولاى من
دروغ نگفتم ولكن اين را عرض كردم كه شايد علمى دريابم از شما اخذ كنم
كه نزد من بهتر باشد از تمام دنيا فرمود كه چون خواهى تربت بردارى در
آخر شب متوجه شو و غسل كن باب خالص و بپوش پاكيزه ترين جامهاى
خود را و سعد خود را خوشبو كن و داخل روضه شو و نزد سر آنحضرت
بايست و چهار ركعت نماز بكن و در ركعت اول سوره حمد بخوان و يازده
مرتبه سوره قل يا ايها الكافرون و در ركعت دوم بعد از حمد يازده مرتبه

سورهٔ انا انزلناه فی لیلة القدر را بخواند پس در قنوت خود این دعا را بخواند
لا اله الا الله حقاً حقاً لا اله الا الله عبودیةً ورقاً لا اله الا الله
وحده وحده انجز وعده ونصر عبده وهزم الاحزاب وحده
سبحان الله مالک السموات وما فیهن وما بینهن سبحان الله
ذی العرش العظیم والحمد لله رب العالمین پس رکوع و سجود میکنی و دو
رکعت دیگر نماز میکنی و در رکعت اول بعد از حمد یازده مرتبه قل هو الله
احد و در رکعت دوم بعد از حمد یازده مرتبه سورهٔ اذا جاء نصر الله میخوانی
و همان قنوت را که در رکعت اول خواندی میخوانی پس بعد از نماز بسجدهٔ
شکر میروی و هزار مرتبه میگویی شکراً پس بر میخیزی و بضریح منور
میچسبی و میگویی یا مولای یا ابن رسول الله انی آخذ من تربتک
باذنک اللهم فاجعلها شفاءً من کل داءٍ وعزاً من کل ذلٍ وامناً من کل
خوفٍ وغنیً من کل فقرٍ لی ولجمیع المؤمنین والمؤمنات پس بسر
انگشت سه مرتبه برداری و در کهنهٔ پاکی میگذاری و یا در شیشه میگذاری
و سرش را مهر میکنی بانگشتر عقیقی که بر آن این کلمات را نقش کرده باشند
ما شاء الله لا قوة الا بالله استغفر الله پس علما گفته اند که بیشتر
درست است در این سه قبضه زیاده از هفت مثقال برداشتن نمیشود
پس از برای هر علتی که بخوری آن اثر را خواهی دید که دیدی و بروایت
دیگر سید بن طاوس و غیر او همین عمل را روایت کرده اند و قنوت را نقل

و قنوت را نقل نکرده اند و در رکعت چهارم اذا جاء نصر الله دوازده مرتبه
نقل کرده اند و سید آن عمل اول را نیز نقل کرده است و قنوت را باین لفظ
ذکر کرده است لا اله الا الله عبودیةً ورقاً لا اله الا الله حقاً حقاً
لا اله الا الله وحده وحده انجز وعده ونصر عبده وهزم الاحزاب
وحده سبحان الله ملک السموات السبع والارضین السبع
وما بینهن وما فیهن وسبحان الله رب العرش العظیم وصلی الله
علی محمدٍ وآله وسلام علی المرسلین والحمد لله رب العالمین
واما طریقه خوردن از تربت مقدس معطر و دعاهایی که در آن زمان
وارد شده پس در آن نیز چند حدیث است حدیث اول در کامل الزیارة
از حضرت صادق ع روایت شده که فرمودند طین قبر الحسین ع شفاء
من کل داء اذا اکلته فقل یعنی خاک قبر امام حسین ع شفا است از هر دردی
پس هرگاه بخوری او را بگو بسم الله وبالله اللهم اجعله رزقاً واسعاً
وعلماً نافعاً وشفاءً من کل داءٍ انک علی کل شیءٍ قدیر حدیث دوم ایضاً
روایت شده که فرمودند هرگاه از خاک متبرکه بخوری بگو اللهم رب
هذه التربة المبارکة ورب هذا الوصی الذی وارثه صل علی محمدٍ
وآله واجعله علماً نافعاً ورزقاً واسعاً وشفاءً من کل داءٍ حدیث سیم
در تحفة الزائر بسند معتبر از حضرت صادق ع روایت نموده که چون کسی
از تربت امام حسین ع تناول نماید بگوید اللهم انی اسألک بحق
الملک الذی تناوله والرسول الذی بوّأه والوصی الذی ضمن فیه

ان تجعله شفاء من كل داء حديث چهارم وايضا در تحفة الزائر بسند معتبر
از حضرت صادق ع روايت نموده كه چون به بيماري از تربت مظلوم را در
دهان بگذاري بگو اللهم اني اسئلك بحق هذه التربة وبحق الملك
الذي قبضها والنبي الذي حضنها والامام الذي حل فيها ان تصلي على
محمد وآل محمد وان تجعل لي فيها شفاء نافعا ورزقا واسعا وامانا من كل
خوف وداء كه اگر اين را بگويي حق تعالى او را شفا و عافيت مي بخشد حديث
پنجم وايضا در تحفة الزائر بسند ديگر از حضرت صادق ع روايت نموده كه
آنحضرت فرمودند كه تربت قبر امام حسين ع بسيار مباركست هر كه بخورد
آن را از شيعيان ما براي او شفا ميكند از هر دردي و هر كه بخورد از دشمنان
ما در بدنش گداخته ميشود پس چون تربت را بخوري بگو اللهم اني
اسئلك بحق الملك الذي قبضها وبحق النبي الذي حضنها وبحق الوصي
الذي هو فيها ان تصلي على محمد وآل محمد وان تجعل لي فيه شفاء من
كل داء وعافية من كل بلاء وامانا من كل خوف برحمتك يا ارحم الراحمين
وصلى الله على محمد وآله وسلم وايضا ميگويي اللهم اني اشهد ان هذه
التربة تربة وليك واشهد انها شفاء من كل داء وامان من كل خوف
لمن شئت من خلقك ولي برحمتك واشهد ان كل ما قيل فيهم وفيها
هو الحق من عندك وصدق المرسلون حديث ششم وايضا در كتاب
مذكور از آنحضرت روايت نموده كه هر كه طين قبر امام حسين ع را بخورد

را بخورد بنا براي شفا چنانست كه گوشت ما را خورده است پس
اگر محتاج شود بخورد وبدان از براي شفا بگويد بسم الله وبالله
اللهم رب هذه التربة المباركة الطاهرة ورب النور الذي انزل
فيه ورب الجسد الذي سكن فيه ورب الملائكة الموكلين به
اجعله لي شفاء من كل داء كذا وكذا وبيماري خود را نام ميبرد وفرمودند
كه بعد از آن جرعه از آب بخورد وبگويد اللهم اجعله رزقا واسعا وعلما
نافعا وشفاء من كل داء وسقم كه اگر چنين كني خدا دفع مينمايد البته همه را بي
در خود از بيماري وهم وغم ان شاء الله تعالى باب ششم در بيان اينكه
خوردن جميع خاكها حرام است مگر خاك قبر امام حسين ع بجهت شفا بدانكه فقهاي
اعلام در باب اطعمه واشربه قاطبة حكم فرموده اند باينكه جميع خاكها حرام است
سواي خاك قبر امام حسين ع ودر بعضي خاك قبر اسكندر ذي القرنين را
استثنا نموده اند كه گل ارمني باشد وشيخ شهيد در شرح لمعه فرموده كه گل
ارمني آنست كه از ارمنيه مجلوب ميشود ورنگش مايل بزردي است وباساني نرم
ميشود ومنافع بجهت آن اطبا در كتب طبيه ذكر نموده اند بنا بر حكم بحرمت
خاك در كلمات فقها صريح است مگر آنچه ذكر شد واخبار بسيار دلالت بر اين
مطلب دارد وصاحب كامل الزيارة ووسائل وديگران در اين خصوص بابي منعقد
نموده اند از انجمله اينست كه در باب مذكور از حضرت صادق ع روايت شده
كه فرمودند الطين كله حرام كلحم الخنزير ومن اكله ثم مات منه لم اصل عليه الا

الا طین قبر الحسین ع یعنی خاک همه آن حرام است مثل گوشت خوک و کسی که
خاک را بخورد و باین سبب بمیرد برو نماز نکنم مگر خاک قبر امام حسین ع
که جایز است و از آنجمله در باب مذکور از آنحضرت روایت شده که انسرور
فرمودند الطین حرام مثل المیتة والدم ولحم الخنزیر الا طین قبر الحسین ع
فان فیه شفاء من کل داء وامان من کل خوف یعنی خاک حرام خوردن آن
مثل میته و خون و گوشت خوک مگر خاک قبر امام حسین ع بدرستی که در آن
شفا است از هر درد و امانست از هر خوف و از آنجمله نیز در باب مذکور
روایت شده که آنحضرت فرمودند ان الله تعالی خلق آدم من الطین فحرم
الطین علی ولده قال قلت ما تقول فی طین قبر الحسین ع فقال یحرم علی
الناس اکل لحومهم ویحل لهم اکل لحومنا ولکن الیسیر منه بقدر الحمصة یعنی بدرستی
که خداوند عالم خلق فرمود حضرت آدم را از خاک پس حرام نمود خوردن خاک
را بر اولاد آدم راوی میگوید عرض کردم که چه میفرمایید در خاک قبر امام
حسین ع فرمودند حرام است بر مردمان خوردن گوشتهای ایشان و حلال
است از برای ایشان خوردن گوشتهای ما ولکن کم از آن حلال است که بقدر
نخود باشد و احتمال دارد که مراد حرمت عینیه باشد یا حرمت خاک مراد
باشد از حرمت گوشت بقرینه صدر حدیث و سوق آن و از آنجمله از آنحضرت
پرسیدند از گل ارمنی که بر میدارند برای کسی که عضوی از آن شکسته
شده باشد حلال است برداشتن آن فرمودند که باکی نیست از خاک قبر

از خاک قبر ذی القرنین است و خاک قبر امام حسین ع از او بهتر است بار دیگر اجتناب
در این خصوص که خوردن خاک باشد بسیار است و هرگاه کسی خاک قبر
انسرور را نه از برای شفا بخورد بلکه بجهت لذت و بعنوان بخورد باز حرام خواهد بود
چنانچه سابقا از حضرت صادق ع نقل شد که فرمودند که هر که بخورد نه از برای
شفا چنانست که گوشت ما را خورده و شرط نیست در جواز تناول خاک
قبر انسرور که با آداب و دعا منقوله خورده شود تا رفع حرمت شود بلکه آداب
و ادعیه سبب تأثیر در آنست چنانچه جمعی تصریح فرموده اند و قدری که
مجوز است خوردن آن احوط اینست که بقدر عدس باشد و هرگاه بقدر
نخود هم باشد ظاهرا جایز باشد و هو العالم مقصد سیم از خاتمه کتاب در بیان
مجملی از احوال عباس بن عبد المطلب و عدد اولاد او و مجملی از احوال خلفای بنی
عباس و عدد ایشان و مدت خلافت و عمر ایشان و بیان ظلمی که از آن فرقه
شوم بائمه علیهم السلام وارد شد و بیان آنکه هفت نفر از ائمه ع که اول ایشان
حضرت امام جعفر صادق ع و آخر ایشان حضرت قائم ع بود در زمان ایشان
بودند و شهید شدن ایشان بزهر جفا و غایب شدن حضرت قائم ع بسبب
ظلم آن قوم دغا و بیان ظلمی که از آن فرقه اشرار بذریه طاهره اهلبیت اطهار
واقع شد و بیان تفصیل امام زادهائی که در عصر ایشان بودند و بسبب آن قوم
شوم هلاک شدند و سبب اقدام نمودن متوکل لعین بر منع نمودن زوار
قبر انسرور و بر طرف نمودن آثار آن مرقد شریف و مضجع منیف را و بستن
آب بر قبر انسرور و بیان بلند شدن مرقد انسرور در بین آسمان و زمین

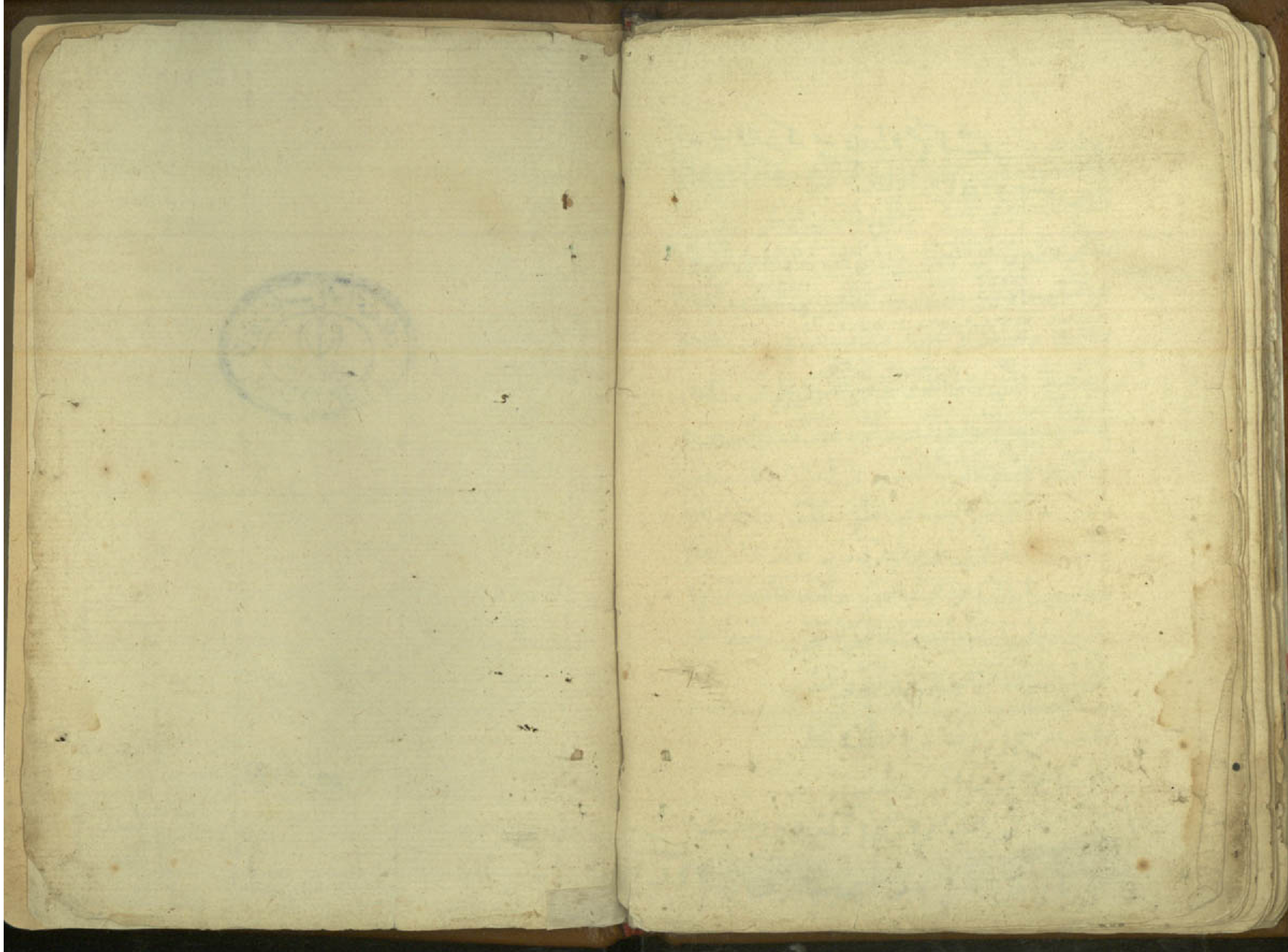
وبيان معجزاتی که از آن مرقد شریف در آن حین بظهور رسید وکسانی
که تعمیر آن ارض فیض قرین نمودند بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله الذي جعل النسك بقبور الأئمة وسيلة نجاة يوم النشور
ونشكرك اللهم يا من جعل من سعة رحمته علينا قبورهم في القبور
سيما قبر صاحب البقعة المباركة التي طلع بأرض الطور وهو كالشمس
في رابعة النهار سطع منه النور في جميع السنوات والشهور
وقبة الإسلام التي على مرقده هي نور على نور يكاد أن تقتبس
من لمعات نوره قبته نجوم السموات فصارت بها كالبدور
وهي أشرف البقاع والمعابد حتى المكة والبيت المعمور ويطوف
حول مرقده ملائكة السموات إلى يوم ينفخ في الصور وتراب
قبره شفاء كل مسجد وتسبيح مصرف وأمان ونجاة من العذاب سيما
لأهل القبور ويفوح عرف التفاح من ضريحه لمن زاره قبل الصباح
من شيعة آل الرسول وتشم منه نسيم الجنان على مشام أهل الصلاح
والقبول الذي حايره المقدسة كهف للمذنبين وملاذ للمتعوذين
من العاصين ومن دخل في حرمه كان من الآمنين ومن التجأ ببابه

ببابه كان من المهتدين وزيارته تذكرة للذاكرين وأخوه العباس
مضيف للزائرين والصابرين وابنه علي الأكبر شفيع لقبول
زيارات الزائرين وحبيبه في رواقه بواب للزائرين
والنازلين وحرة على رأس الفرسخ منتظر لقدوم زائره من الأنبياء
والملائكة والجنة والناس أجمعين وباقي الشهداء شهيد للزائرين
والطائفين وإذا رأيتهم رأيتهم حسبتهم لؤلؤا منثورا وتربة
قبره أحلى لزائره من جميع اللذائذ وإن كان شرابا طهورا ولذا قالوا
في جواب خازن الجنة في يوم النشور أن مجالسة الحسين أحلى
لنا وأشهى من روضات الجنان والحور والقصور فوقيهم الله
شر ذلك اليوم ولقاهم نضرة وسرورا إن هذا كان لهم جزاء
لزيارة قبره وكان سعيهم مشكورا ولعنة الله على الطائفة الخبيثة
التي كانوا أضل من الخناس وأكثر فسادا من الوسواس الخناس الذي
يوسوس في صدور الناس الذين قطعوا رحم سيد الأنبياء
من بني العباس المروجين لمذهب خبث أهل السنة التابعين
لظلم الشجرة الخبيثة الملعونة والذين قتلوا من المعصومين المكرمين

سنة وخربوا مدارس آيات أهل بيت الرحمة وعطلوا معالم أحكام
شرائع الرسالة في الأمة ولظلمهم غاب من الأمة الحجة
وذبحوا ذراري أهل العصمة سيما من كان شقاوته من أكثر من
بني العباس والأمية المطرود عند المذاهب من اليهود والنصارى
والثنوية وهو المتوكل الخبيث عند جميع المذاهب حتى الملاحدة
والدهرية الذي ساق الثور على قبر الحسين بحكم الجور ونادى
في الناس بمنع زيارته في البلاد والكور فتفرقت زائروه من جوره
في أطراف الأرض كالرق المنشور بحيث من زاره كان عنده مقهور
وأجرى الماء على قبره ليكون عن الخلق مستور وكم راموا قبله
ليطفئوا نور الله الذي هو نور فوق نور فحار الماء حول مرقده
وارتفع قبره بقدرة الله كبيت المعمور وتبعد الماء عن مرقده
بأشبر وشبرين ذراعا ووقف كالبحر المسجور ولعنة الله
على بني الأمية والعباس إلى يوم ينفخ في الصور

ما ندار سیم از رضای حق گله
عار ناید شیر را از سلسله
ورشته‌ئی در گردنم افکنده دوست
تار پودش از محبتهای اوست

که به لطر که به اقرادم کشد
می‌برد هرجا که خاطرخواه اوست




کتابخانه مجلس شورای اسلامی
جمهوری اسلامی ایران
تاسیس ۱۳۰۲